

## اصلاح و تحقیق : محمد مهدی ولی زاده

### موضوع: زیبایی‌های قیام عاشورا

تاریخ پخش: 83/11/22 . 83/11/29 . 83/12/06 . 83/12/27 . 84/11/27 . 84/12/04

بسم الله الرحمن الرحيم

بینندگان عزیز بحث را در آستانه محرم می‌بینند پس خوب است که یک سلامی بکنیم السلام علیک یا ابا عبدالله السلام علیک و رحمه الله و برکاته دهه فجر که تمام شد و اول محرم است جمله‌ای زینب کبری دارد که ما اینرا تفسیر کنیم فکر می‌کنم که جمله را حفظ باشید زینب کبری فرمود (ما رأیت إلا جمیلاً) من هر چه می‌بینم زیبایی می‌بینم این یعنی چه؟ اینجا بنده حدود 37 نکته از این کلمه یادداشت کرده‌ام و تحقیقی بود که دو تا از برادران فاضل جناب آقای دهشیری و جعفری که امام جمعه بادرود هستند یکی دائم و یکی موقت، تحقیقی کردند و من دیدم که تحقیق خوبی است و از آن تحقیق دو تا عزیز یادداشت برداشتم و برای شما می‌خوانم بیشترین منبع این هم خود کلماتی است که ما به خود امام حسین (علیه السلام) می‌گوئیم یعنی تقریباً بار این حرفها بیشتر از زیارت نامه‌ها و کلمات و روایات است.

زیبائی‌های کربلا چیست؟ (ما رأیت إلا جمیلاً) من در کربلا جز زیبایی ندیدم، ما از کربلا هر چی می‌بینیم تشنگی و دود و عطش است آنها سختی هایش است اما گاهی توی سختی زیبایی است یعنی یک خانمی که توی آشپزخانه زحمت می‌کشد سخت است اما توی همین سختی برایش لذیذ است درد زایمان سخت است اما همین سختی را زنها آرزو می‌کنند که بچه دار شوند آنهایی که بچه دار نمی‌شوند یک وزنه بردار یک وزنه‌ای را که بلند می‌کند خیلی سخت است به او فشار می‌آید اما همین وزنه برداشتن برایش لذیذ است یعنی در عمق دردسرها... زیبایی‌ها در لابلای سختی هاست شرکت در کنکور سخت است وزنه برداشتن سخت است زایمان سخت است عمل جراحی سخت است دویدن سخت است بالا رفتن از کوه سخت است منتهی لابلای سختی‌ها زیبایی است ما می‌خواهیم زیبایی‌ها را بگوئیم.

اخلاص در حرکت و تلاش

زیبائی‌ها:

1- اخلاص، درباره امام حسین (علیه السلام) داریم که می‌گوید (دعوت إلى الله) دعوت بسوی خدا بود

(وفیت لله) برای خدا وفا کری (قمت لله) برای خدا قیام کردی (جاهدت فی سبیل الله) در راه خدا جهاد کردی، یعنی هر چی دیدم از برادرم خلوص دیدم برای اینکه رأی جمع کند برای اینکه مشهور شود، (چند وقت قبل یک دوستی از استانی آمد که ده میلیون بودجه‌ای به من داده فلان تشکیلات و فلان وزارت خانه بروم تحقیق کنم که عوامل ایجاد موج چیه؟! چه کنیم که توی مملکت موج ایجاد کنیم، گفته‌اند برو پهلوی قرائتی حالا از آن استان آمده بود که چطوری موج ایجاد کنیم؟! به او گفتم این چه تحقیقی است؟! گفت به من ده میلیون داده اند گفتم بیخود داده اند، وزارت داده، وزارت هم بیخود کرده ما یکی از وظائف مان ایجاد موج نیست. ) اگر می‌بینید که امام حسین (علیه السلام) موج انداخت برای خدا قیام کرد خدا کار او را موجی کرد یعنی بر موج قرار داد امام خمینی نمی‌خواست که موج ایجاد کند می‌خواست که به وظیفه شرعی اش عمل کند منتهی حرکت الهی او ایجاد موج کرد اصل موج به خودی خود ارزشی ندارد ما باید برای خدا قیام کنیم حالا برای خدا گاهی وقتها مثلاً شما توی یک جلسه‌ای نشسته‌ای بعد می‌بینی که در این جلسه دارند حرفهای بدی می‌زنند جلسه گناه است برای اینکه فکر می‌کنی خدا از نشستن شما راضی نیست بلند می‌شوی و می‌روی منتهی وقتی بلند شدی و رفتی ممکن است جلسه به هم بخورد و موجی هم ایجاد بشود اما شما به قصد موج این کار را نکردی.

(حضرت امام می‌فرمود من رفتم مکه کتاب بخرم از کتابفروشی کتاب را خریدم تا رفتم به او پول بدهم صدای اذان بلند شد پول را نگرفت گفتم پول را بگیر گفت مگر نمی‌بینی که اذان است وقت اذان معامله ممنوع است گفتم بابا این پول را بگیر گرفتن پول دو ثانیه طول می‌کشد گفت نه، باشد برای بعد خوب عمل یک کتابفروش در مکه در مغز امام ایجاد موج می‌کند بعد امام می‌آید اینرا نقل می‌کند در زندگی خودش هم چه بسا تحت تاثیر قرار می‌گیرد گاهی یک حرکت ایجاد موج می‌کند وظیفه ما ایجاد موج نیست. خلاصه نشست یک نواری هم گذاشت ما حدود چهل دقیقه صحبت کردیم کسانی که در تاریخ ایجاد موج کرده‌اند و موج آنها هم ثابت مانده است اینها هیچکدام برای هوی و هوس ایجاد موج... ابراهیم ایجاد موج کرد تبر برداشت رفت توی بتخانه و بت‌ها را کوبید آتش افتادن ابراهیم ایجاد موج بود. حضرت ابراهیم مامور می‌شود که بچه‌اش را بخواباند چاقو بگذارد تا چاقو را گذاشت خدا گفت نمی‌خواهم کشته بشود می‌خواستم دل از بچه بکنی دیدم دل کندی آفرین این حرکت ایجاد موج کرد الان همه حاجی‌ها که گوسفند می‌خوابانند به یاد ابراهیم گوسفند می‌کشند. ما باید به فکر خدا باشیم آنوقت کار خدایی را خدا به آن برکت می‌دهد نباید حساب کنیم یک خانه ای بسازم که هر کس می‌آید یک سوت بکشد این خانه‌ای ما به قصد جلوه می‌سازیم این خانه‌ها فکر می‌کنیم که به قصد ایجاد موج است در دل افراد فحش می‌دهند می‌گویند از کجا آورده؟ می‌خواهد چه کند؟ چقدر غافل است؟ کی چی، در کنار این کاخ‌ها چه فقرایی هستند، یک موتور سوار چرخ جلویش را... تک چرخ می

زند یا می‌رود؟ می‌زند، تک چرخ می‌زند، خوب این توی دنیای خیال ذهن‌ها را به خودش متوجه می‌کند، توی دنیای خیال هر کس او را می‌بیند می‌گوید این الان می‌افتد و خون ریزی مغزی می‌کند یک خانواده‌ای را فلج می‌کند خودش را هم بدبخت می‌کند یعنی عقلا به او فحش می‌دهند عقلا کارش را توبیخ می‌کنند ولی توی دنیای خودش دارد ایجاد موج می‌کند یک خانمی که خودش را آرایش می‌کند و می‌آید توی خیابان به نظر خودش همه چشم‌ها به او هستند اما همین امروز یعنی حدود دو ساعت پیش بحث ازدواج شد یکی گفت آقا من این دخترهایی که توی خیابان آرایش می‌کنند را نمی‌خواهم به اینها... کسی که می‌خواهد که نگاهش کنند یک افرادی هم به او نگاه می‌کنند و وقتی به او نگاه کردند معلوم نیست که حالا چه جوری می‌شود من می‌خواهم دختری بگیرم که کسی به او نگاه نکرده باشد یا حداقل به او نگاه کرده باشد یا اگر نگاه به او کرده‌اند به قصد لذت نگاهش نکرده باشند یعنی این دختر به نظر خودش با این لباس آمد ایجاد موج کرد) اجمالاً رمز اینکه کربلا موج افتاد آن خلوص بود.

تشکر از نعمت‌های الهی

2- تشکر از خداوند، بعضی از این سرداران و بزرگانی که توی جبهه بودند و الان شیمیایی هستند یا شهید شده‌اند با آنها که مصاحبه می‌کردند می‌گفتند الحمدلله رب العالمین، هر کاری کردند که شکایت کند شکایت نکرد.

(اللهم إني أحمدك) خدایا من تو را حمد می‌کنم (علی أن اکرمتنا بالنبوه علمتنا القرآن) به ما کرامت دادی به ما قرآن یاد دادی (فهمتنا فی الدین) دین را به ما فهماندی، اینها جزو مقتل ابی مخنف است، درست است که ما تکه تکه شدیم بدنمان سوراخ سوراخ شد اما کرامت داریم علم قرآن داریم فهم دین داریم آنکه سوراخ شد پوست بدنم شد اما دین و عزت من سوراخ نشد.

یک دعا داریم که می‌گوید (لا تجعل مصیبتنا فی دیننا) مصیبت من را در دینم قرار نده، شخصی از یک بزرگواری مشورت کرد یا استخاره کرد برود فلان سفر گفت نرو رفت و سود خوبی پیدا کرد برگشت گفت آقا شما گفتی نرو اما ما رفتیم و پولدار هم شدیم آقا گفت خوب شما توی این سفر یادت هست که فلان روز نمازت قضا شد؟ گفت بله، گفت کل سود تو به نماز قضایت نمی‌ارزد گاهی وقتها آدم دروغ می‌گوید یک چیزی هم گیرش می‌آید اما چه از دست داد و چه گرفت؟ باید دید که چی دادیم و چی گرفتیم.

یک کسی هر جا می‌رسد راحت می‌خورد انگار مال پدرش است بعد هم می‌گوید خدا خلق کرده پهلوی خودش فکر می‌کند که خوشرویی است اما وقتی مردم به او نگاه می‌کنند می‌گویند بردار قایم کن الان می‌آید و می‌خورد یعنی... گاهی یک بازاری فکر می‌کند تاریخ را به روزی بزند که به جمعه بیفتد که بانک‌ها تعطیل بشود یک روز هم یک روز است خوب وقتی دو تا چک‌اش را به جمعه انداخت می‌گوید مواظب باش که چک

را به چه تاریخی می نویسد تاریخ را تطبیق کن ما گاهی فکر می کنیم که زرنگی است اما اعتبارمان و زرنگی مان سخاوتمان... بدن تکه تکه شد علم قرآن فهم دین اینها مهم است.

صداقت در گفتار و عمل

3- هماهنگی گفتار و رفتار: فطرت هر انسانی بدش می آید که گفتار و رفتار از هم جدا باشد (قلت صادقاً قتلت صدیقاً) به به، به به، حسین جان حرف که می زنی راستش را می گویی شهید شدی (صدیقاً) یعنی کسی که حرفش و قلبش و مغزش و عملش ظاهرش و باطنش یکی باشد، بیان صداقت دارد... هماهنگی خیلی زیبا است شما کسی را که ظاهر و باطنش یکی است می گویی من اینرا خیلی دوست دارم این همین است که هست پس و پیش ندارد تاب ندارد هر انسانی از آدم صادق خوشش می آید این خاص اسلام نیست .

استقلال در عقیده و عمل

4- جو ناپذیری: آمدند پهلوی پیغمبر گفتند آقا چی می خواهی؟ پول می خواهی به تو پول می دهیم می خواهی ازدواج کنی، بهترین دخترهای مکه را به تو می دهیم پُست می خواهی؟ می خواهی تو را کلید دارد کعبه کنیم فرمود خورشید را یک دست من بدهید و ماه را در دست دیگر دست از هدفم بر نمی دارم اینطور نیست که عقریک روح من با پول بالا و پائین برود.

(در جلسه ای بودم خیلی هم جلسه ای مهمی بود خیلی جلسه ی باعظمتی بود خیلی باعظمت بود خیلی جلسه ی مهمی بود آیت الله صافی از علما و مراجع قم توی آن جلسه بودند برای افتتاح آن جلسه سرود جمهوری اسلامی زده شد همه بلند شدند آیت الله صافی گفت حالا بلند شدن به احترام سرود خوب است اما حالا من پیرمرد حالا دلیلی ندارد... نشست، البته ایشان با انقلاب مسئله ای ندارد منتهی گفت من یک پیرمرد هشتاد ساله بخاطر این سرود با این درد پا بلند شوم چون پایش هم درد می کند در همان جلسه یک کسی مقاله خواند توی مقاله اش دو بار اسم امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) را برد با زحمت خودش را بلند کرد و ایستاد همه نشسته بودند این تنهایی بلند شد من خیلی از این رفتار... این پیرمرد دو بار به سختی بخاطر امام زمان بلند شد گفت من برای امام زمان بلند شوم ثواب دارد برای سرود ایستادن کار خوبی است کار ملی است خوب است اما به قیمتی که من پیرمرد بلند شوم... اما امام زمان می ارزد که آدم خودکشی کند اینکه همه دیدند این تنهایی بلند شد و ایستاد جلسه هم حدوداً دو هزار نفر توی آن بودند دو هزار نفری که همه مسئولین بودند از همه ایران جمع شده بودند من دیدم عجب! پیرمرد ذره ای جو او را تکان نمی دهد همه نشسته اند این تنهایی بلند شد همه بلند شدند این تنهایی نشست اینکه می گوئیم همه این فیلم را می بینند من هم ببینم بابا تو امتحان داری بلند شو برو کسی که فردا امتحان دارد می نشیند و فیلم می بیند ضربه علمی به خودش می زند و ضربه علمی به سرنوشتش می زند این فیلم ها همیشه هست این جو ناپذیری.... )

قرآن می‌فرماید حسین جان! (لم تأخذک) نگرفت تو را (فی الله) در راه خدا (لومۃ لائم) یعنی ملامت ملامت کنندگان در تو اثر نکرد. رهبر جو ناپذیر خود امام بود امام در یکی از بیاناتش گفت اگر خمینی تنها بماند سر آشتی با آمریکا خم نخواهم کرد خیلی ارعاب به وجود آوردند من خودم از امام شنیدم که فرمود والله نترسیدم با اینکه جو یک جوی بود که همه می‌ترسیدند این جو ناپذیری خیلی مهم است نه اینکه خواهی نشوی رسوا همرنگ جماعت شو سیگار بده بکشیم برویم تریاک بیاوریم این فیلم را ببینیم بابا همه فکلی شدند ما هم فکلی می‌شویم بابا مهریه پانصد سکه است ما چی کمتر از پانصد سکه داریم؟ امروز یک کسی آمده بود نهضت سواد آموزی می‌گفت والله من حاضرم دخترم را به چهارده سکه به فامیل بدهم ولی... (صلواتی بفرستید) حاضرم دخترم را به چهارده سکه بدهم داماد را قبول دارم پسندیده‌ام اما همه فامیل چند صد سکه می‌گویند ما چی از او کمتر داریم همینطور موج او را می‌برد اگر همه هم مهر را بالا بردند شما روی پای خودت بایست اگر همه هم دروغ گفتند شما راست بگو اگر همه حرام خور شدند شما به فکر لقمه حلال باش این جو ناپذیری یک ارزش است و آن را حفظ کن.

چهل و سه تا رادیو به امام جسارت می‌کرد ذره‌ای در روح امام اثر نکرد در اندونزی داشتم می‌رفتم وارد یک پاساژی شدم پاساژ به نظرم هفت هشت طبقه بود ده روز من آنجا بودم روز آخر گفتند اینجا یک دیدنی‌هایی دارد برویم ببینیم رفتیم خیابانها و پاساژها یک باغ وحش داشت گفتند اینجا دیدنی است تا وارد شدم دیدم یک خانم اندونزی جلوی ما یک مرتبه نگاه به ساعتش کرد کیفاش را باز کرد یک سجاده انداخت و مشغول نماز شد وسط پاساژ... من هر چه فکر کردم آقای قرائتی تو که تبلیغ نماز می‌کنی در ایران مردش هستی یکمرتبه متوجه شده‌ای نمازت دارد قضا می‌شود وسط پاساژ نماز بخوانی گفتم نه من وسط پاساژ نماز نمی‌خوانم من ممکن است بگویم آقا این پشت‌ها چیزی نیست... مثل آنهایی که می‌خواهند تریاک بکشند قایم می‌شوند یعنی من شهادت اینکه وسط پاساژ نماز بخوانم را ندارم ماشاءالله این خانم اندونزیایی. این زیباست که آدم صحنه‌هایی را ببیند که تنهایی قیام می‌کند همه پای فیلم می‌نشینند من بروم کتابخانه همه این حرف را بزنند من نمی‌زنم همه غیبت کردید من غیبت نمی‌کنم همه این غذا را خوردید من نمی‌خورم جو ناپذیری یک ارزش است. خداوند در آیه 30/ بقره می‌فرماید: «انی جاعل فی الارض خلیفه» من انسان را خلیفه خودم در زمین قرار می‌دهم، ملائکه گفتند: «أ تجعل فیها من یفسد فیها و یسفک الدماء؟» می‌خواهی کسی که فساد و خونریزی می‌کند خلیفه بگذاری؟ ما که تسبیح و تقدیست می‌کنیم؛ خداوند فرمود: انی أعلم ما لا تعلمون: در این بخش نکته ایست، ملائکه معصیت الهی نمی‌کنند چون اختیار ندارند لذا همه شان ذاکرند ذاکرفی الذاکرین، انسان که با افساد و افساک امکان معصیت دارد چهار قسمت اند:

1- کسی که خوب است و در میان بدان زندگی می‌کند که در درجه اول رحمت الهی است و بهترین برتران

است حتی از ملائکه هم بالاتر زیرا نه بازیگرند و نه بازیخورند بلکه حقگردد و جوناپذیر و این شخص الذاکر فی الغافلین است و مقام شهداء را دارد حرکت خلاف جهت رودخانه دشوار است، در قرآن مثال آن را به آسیه می زند که مؤمن ناب است «ضرب الله مثلاً لامرأة فرعون»

2- کسی که خوب است در میان خوبان الذاکر فی الذاکرین است و در درجه دوم و همسان ملائکه است .

3- کسی که بد است در میان بدان که الغافل فی الغافلین است و (اولئک کالانعام)، در درجه سوم قرار دارند.

4- کسی که بد است و در میان خوبان زندگی می کند که درست در مقابل اولی است و (بل هم أضل سبیلاً)، بدترین بدان اند و «ضرب الله مثلاً لامرأة نوح و لوط». پس خداوند می خواهد چیزی را خلق کند که بالاتر از ملک می تواند باشد و به درجه اول رحمت دست یابد.

اعتماد و توکل به خداوند

5- توکل و اعتماد: از چیزهایی که در کربلا جلوه داشت این بود چون امام حسین (علیه السلام) روز عاشورا فرمود (إنی توکلت علی الله ربی و ربکم) سیل مشکلات در محاصره اقتصادی آب، در محاصره نظامی هفتاد و دو نفر در محاصره سی هزار نفر، خودش را نباخت توکل کرد.

6- قاطعیت: ما باید خیلی کربلا را... منتهی حالا هیئت های عزاداری فقط با یک مراسمی یک طبلی و دهلی و مداحی و سینه زنی، نمی گویم اینها نباشد اینها باشد ولی ببینیم زیبایی هارا ، فرمود (لا أجیبهم إلی شیء مما یریدون) من هرگز به خواسته اینها تن در نمی دهم اینها می خواهند من تسلیم بشوم محال است که تسلیم بشوم حسین تسلیم یزید بشود؟ محال است، (حتی ألقى الله تعالی و أنا مخضب بدمی) تا این ریشم را با خونم رنگ نکنم جواب نخواهم داد یعنی وقتی اینها می خواهند که من سرم بریده بشود و خونم با ریشم قاطی بشود امکان ندارد تسلیم بشوم یعنی سر می دهم تن به ذلت نمی دهم زیر سم اسب می روم زیر بار زور نمی روم.

7- شهادت: درباره شهادت در فروع کافی داریم حسین جان! (اشهد انک قد بلغت ان الله) تا جایی که می گوید (و لم تخش احداً) از احدی نترسیدی یعنی مردانگی. موج می آید اما من تسلیم موج ها نمی شوم خودم را به غیر خدا نمی فروشم فقط اخلاص اینها گوشه هایی از زیبایی کربلا است.

خدایا، من تقاضا می کنم از عزاداران عزیز این عزاداری سرمایه ای است اینرا هیچ کشوری ندارد یک یا حسین بگو پنجاه میلیون می ریزند توی خیابان نه تبصره می خواهد نه آئین نامه می خواهد نه اضافه کار می خواهد نه حق مأموریت می خواهد با وجودشان پنجاه میلیون می آیند همین پنجاه میلیون برای سالگرد جد و پدرشان حاضر نیستند سالگرد بگیرند ولی هزار و سیصدمین سالگرد امام حسین (علیه السلام) را می گیرند این

خیلی سرمایه است از آن استفاده کنید مردم از پوست پرتغال مربا درست می کنند ما از این عاشورا خیلی می توانیم سرمایه گذاری کنیم بعد همه خطوط با هم هستند یکی نمی گوید آقا تو چپی هستی یا راستی مدرک تو لیسانس است یا دکترای قصاب و نانوا و آیت الله همه با هم می گویند حسین حسین یعنی همه خطوط یکی می شوند یک سرمایه است بدون تشریفات همه می ریزند توی خیابان یک سرمایه است محور همه حسین (علیه السلام) است یک سرمایه است شعارهای حسین (علیه السلام) امروز بشر را نجات می دهد (هیئات من الدلّة) شعاری است که امروز جامعه را نجات می دهد اخلاص جامعه را نجات می دهد توکل جامعه را نجات می دهد قاطعیت جامعه را نجات می دهد شهامت جامعه را نجات می دهد جو ناپذیری جامعه را نجات می دهد یعنی تمام کارهای امام حسین (علیه السلام) الان نجات بخش است ما این مکتب نجات بخش را با یکسری مراسم خشک پوک پوچ قانع نباشیم ولذا هم منبری ها به جای سخنرانی حرفهایشان را جمع و جور کنند بیشتر آیه و حدیث بخوانند هم مداح ها شعرهایشان پر محتوا باشد هم جلسات عزاداری تشریفاتی نشود که هر کس پول دارد برود بالا بنشیند هر کس بچه است راهش ندهند زن و مرد با هم باشند من بسیاری از جلسات دیده ام که مردها را می برند تو و به زن ها می گویند که توی کوچه بنشینید قالی زیر پای مردها است به زن ها می گویند بعداً شام بخورید تحقیر نباید باشد زن و مرد باید یک جور باشد بچه و بزرگ یک جور باشد جلسه ها تا آخر شب طول نکشد بلندگوها همسایه ها را اذیت نکند عزاداری مستحب است مردم آزاری حرام است اگر بلندگوی ما همسایه ها را اذیت کند حرام است این دقتها باید بشود. مراعات بهداشت را بکنید نگوئید آقا من نذر کرده ام یک شتر وسط راه بکشم قربانت بروم این نذر تو درست نیست شتری که توی راه می کشی خون آن ترشح پیدا می کند همه مردم یا نجس می شوند یا بچه ها می ترسند یا شتر رم می کند اصلاً این نذر تو شرعاً واقع نمی شود مثل اینکه آدم بگوید نذر می کنم سرم را بزنم به دیوار من قسم خورده ام که سرم را بزنم به دیوار اگر شما قسم خوردی که سرت را بزنی به دیوار که نمی توانی سرت را به دیوار بزنی هویدا می گفت ما قسم خورده ایم که نسبت به شاه وفادار باشیم کار بد را قسم هم بخوری فایده ای ندارد نذر هم بکنید فایده ای ندارد مراعات بهداشت همسایه محتوای سخنرانی و مداحی توی مجالس امام حسین (علیه السلام) سیگار نکشیم هوا مال همه است حق همه را از بین می بریم این دقتها باید بشود تا از این گنج فضائل ما استفاده بکنیم.

در آستانه عاشورا هستیم یک سلام بدھیم به کربلا السلام علیک یا ابا عبدالله السلام علیک و رحمہ الله و برکاتہ کربلا نمایشگاه همه کمالات است از طرف امام حسین و یارانش و ذریہ اش و نمایشگاه همه بدی ها از طرف یزید و یزیدیان یعنی همه خوبی ها یک سمت و همه بدی ها هم یک سمت آنچه در جهت امام حسین است همه اش زیبایی است آنچه در آن سمت است همه اش بدی است.

وقتی از زینب کبری پرسیدند اوضاع چه جور است گفت من هر چه دیده‌ام زیبایی دیده‌ام بمناسبت محرم تفسیر جمله (ما رأیت إلا جمیلاً) چیزی جز زیبایی ندیدم، پنج شش تا را گفتیم.

صبر امام حسین (علیه السلام) در برابر سختی‌ها

8- صبر، کربلا نمایشگاه تمام زیبایی‌ها در امام و یارانش، در زیارتش داریم که (وصبرت علی الأذى) حسین جان صبر کردی بر اذیت‌ها کسانی که در سختی‌ها صبر می‌کنند خود خدا بر آنها صلوات می‌فرستد. ما دو تا صلوات داریم توی قرآن داریم آدمهایی که توی سختی خوب هستند آدمهایی که توی خوبی خوب هستند بعضی‌ها توی جبهه و جنگ در حوادث آدم خوبی هستند و صبر می‌کنند بعضی‌ها نه، همیشه خوش و خرم هستند منتهی آدمهای خوبی هستند مثلاً توی جبهه نیامده‌اند اما کمک به جبهه می‌کنند پول می‌دهد کمک می‌کند ولی اهل اینکه اسلحه دست بگیرد و خودش را... هر دو خوب هستند.

دروود و صلوات خداوند بر مجاهدان

اما خدا می‌گوید آن خوبهایی که توی سختی خوب هستند خودم به آنها صلوات می‌فرستم «أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» البقرة/157 از طرف رب صلوات می‌فرستد یعنی خود رب العالمین بر اینها صلوات می‌فرستد اما اینهایی که تاجر هستند اهل خون و جبهه و اینها نیستند ولی خمس می‌دهند زکات می‌دهند نماز شب می‌خوانند روزه می‌خوانند ولی انقلابی آنطوری که بروند خط اول این نیستند می‌گوید خیلی خوب خمس و زکات او را بگیر «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ» التوبة/103 پیغمبر تو به آنها صلوات بفرست یعنی اینها در حدی نیستند که (صلوات من رب) باشد اینها در حدی هستند که... آخر یکی را رئیس جمهور می‌رود فرودگاه یکی را وزیر می‌رود فرودگاه یکی را امام تسلیت می‌گوید یکی را دفتر امام تسلیت می‌گوید یکی را دفتر امام حکم می‌دهد یکی را امام حکم می‌دهد اینها کد هایش فرق می‌کند آنهایی که توی خون آتش صبر می‌کنند آنهایی که توی اذیت‌ها صبورند قرآن می‌گوید صلوات از طرف خداست آنهایی که اذیت حالش را ندارند مرفه هستند منتهی مرفهین بی درد نیستند مرفهین با درد هستند می‌گوید تو بر آنها صلوات بفرست صبر یکی از زیبایی‌هایی بود که در کربلا بود. کسی که خوب است و در میان بدان زندگی می‌کند در درجه اول بوده و بهترین برتران است و کسی که خوب است و در میان خوبان زندگی می‌کند در درجه دوم است.



9- همراه با قرآن: داریم در زیارت امام حسین (تلوت الکتاب حق تلاوته) حسین جان! قرآن را... توی قرآن آیاتی داریم که می‌گوید حق‌اش را انجام بده بعضی جاها می‌گوید حالا که نمی‌توانی آن مقداری که می‌توانی مثلاً می‌گوید «اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ» آل عمران/102 تقوا داشته باشید حق تقوی، تا این آیه نازل شد گفتند خدایا ما که نمی‌توانیم آنوقت گفت پس قیمت تعاونی حساب می‌کنم تا مشتری شوید یک خورده پائین آمد گفت «فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ» التغابن/16 یعنی اگر حق تقوا را نمی‌توانید لااقل مقداری که می‌توانید این قیمت بازار آزاد است و این هم قیمت تعاونی است امام حسین (ما استطعتم) نیست می‌گوید حق تلاوته، حق تلاوت چیه؟ 1- آرام بخوانیم 2- با وضو بخوانیم 3- تدبر کنیم، این شبی با قرآن را تبدیل کنیم به شبی با تفسیر قرآن، نه یعنی قرآن حذف بشود قرآن هم خوانده شود اینطور نباشد که دو ساعت قرآن خوانده بشود اصلاً تفسیر سهمی... یک چیزی برایتان بگویم خواهش می‌کنم همه قاری‌ها توجه کنند تمام اینهایی که قرآن حفظ می‌کنند به لطف خدا بعد از جمهوری اسلامی خیلی‌ها رفتند سمت قرآن و حفظ و مسابقه و تجوید دست شما درد نکند باید بگویم زبانتان درد نکند البته تنها عضوی که هیچ وقت درد نمی‌کند زبان است، قرآن می‌گوید «لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى» النساء/43 در وقتی که مست هستید نماز نخوانید حالا شبیه مستی وقتی است که آدم خرف است بی حال است چشم هایش پر است خواب آلود است آنها هم یک رگه‌هایی از مستی است می‌گوید وقتی نشاط ندارید بگذارید برای وقتی که نماز می‌خوانید نماز بخوان، چرا نزدیک نماز نشویم «حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ» تا ببینید چه می‌گوئید ما هم که قرآن می‌خوانیم بعد از چند سال باید بدانیم بالاخره این آیه چیه، حالا که روشهای قرآن را یاد گرفته‌ایم (کورِت) یعنی چه؟ نماز باید آگاهانه باشد قرآن هم باید آگاهانه باشد من تقاضایم این است که یکی از چیزهای امام حسین که در زیارت نامه هم داریم (تلوت الکتاب حق تلاوته) برویم سراغ فهم.

یک نقطه انحرافی پیدا شده که من اینرا توی یکی از دانشگاهها دیدم من لازم است اینرا اینجا بگویم یک چیزی می‌گویند که ما حق تفسیر نداریم ما روح قرآن را نمی‌فهمیم در قرآن آیاتی است که ما نمی‌فهمیم ما به سراغ تفسیر نرویم این حرف ضد قرآن است چون قرآن می‌گوید من حرفهایی که می‌زنم برای اینست که بفهمید «لَقَوْمٌ يَعْقِلُونَ» قرآن می‌فرماید من با آدمهایی حرف می‌زنم که اهل تعقل هستند، این آیه یعنی تو عاقل هستی و قرآن مال عاقل هاست یعنی فکر کن می‌فهمی قرآن می‌فرماید «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ» خوب اگر من عاقل نمی‌کشد پس چرا قرآن من را توبیخ می‌کند که چرا در قرآن تدبیر نکردی چرا قرآن می‌گوید باید بدانی که چی می‌گویی آیه‌ای که می‌گوید بدانید چی می‌گوئید تدبیر کن و تعقل کن از این پیداست که ما قرآن را نمی‌فهمیم البته کسی که قرآن را می‌خواهد بفهمد باید با لغت آشنا باشد روایت را ببیند توقع نداشته باشد که هر چی فهمید همان است مثل اینکه از کسی بپرسند نفت چیه؟ بگوید همانکه توی بخاری است، بگو فهم من این است وگرنه نفت دست دنیای پتروشیمی بیفتد صدها فرآورده از آن در می‌آورد صدها آیه دست کارشناس بیفتد... یعنی یک قاضی حقوقدان وقتی آیات حقوقی را می‌فهمد چیزی می‌فهمد که قرائتی نمی‌فهمد در جبهه و جنگ امیران و سرداران ما از قرآن چیزی می‌فهمند که بنده پشت جبهه نمی‌فهمم کسی که در زمان طاغوت توی زندان طاغوت بود معنای طاغوت را چیزی می‌یابد که من بیرون زندان... چون آنها از نزدیک دستی به آتش دارند هر کسی فقیه است آیات فقهی را بهتر می‌فهمد هر کس در علوم طبیعی کار کرده است آیاتی که مربوط به طبیعت است را بهتر می‌فهمد هر کس در هر رشته‌ای تخصص‌اش بیشتر است فهمش هم بیشتر است اما این معنایش این نیست که دست به قرآن نزنیم یکی از راههایی که ما قرآن را مهجور کنیم یکی از راههایی که ما قرآن را کنار بزنیم این است که بگوئیم قرآن ظنی الدلالة است یعنی دلالت هایش برفک دارد نمی‌فهمیم چه می‌کند عقل بشر به قرآن نمی‌رسد بابا به کنه نمی‌رسد به بخشی که می‌رسد بابا ما به قعر دریا دستمان نمی‌رسد اما از اینکه می‌رسد استفاده کنیم ما از دریا استفاده می‌کنیم گرچه دستمان به عمق دریا نرسد این نیست که چون دستم به عمق دریا نمی‌رسد... مگر ما دستمان به عمق علوم می‌رسد حالا غیر از قرآن، کی است که بگوید آقا من به عمق علوم دسترسی پیدا کرده‌ام؟ ما به عمق علوم هم دستمان نمی‌رسد اما به آن مقداری که می‌توانیم می‌رویم مدرسه و دانشگاه و حوزه (دستمان بر عمق آن نمی‌رسد این دلیل بر این نیست که ما... مگر نسخه‌هایی که دکترا می‌دهند این کپسول را هشت ساعت بخورد این کپسول را شش ساعت بخورد این شربت را با قاشق مربا خوری بخور این غذا را بعد از... واقعاً نسخه‌ای که می‌دهد ما به عمق دارو علم پیدا می‌کنیم؟ ما نمی‌دانیم

که عمق آن چیه اما همین مقداری که دکتر می‌گوید به همین گفتن دکتر مقداری آگاه می‌شویم به همین مقدار آگاهی باید عمل کنیم وگرنه اگر بگویم ما تا اسرار را نفهمیم عمل نمی‌کنیم پس همه مریض‌ها باید بمیرند چون دکتر می‌گوید هشت ساعت به هشت ساعت کپسول بخور به دکتر بگویم آقای دکتر چون راز این کپسول را نمی‌فهمم نمی‌خورم می‌گوید برو بمیر مگر می‌شود که به مرجع تقلید گفت آقا من به فتوای شما عمل نمی‌کنم مگر اینکه روح کار را بفهمم دکتر ده سال درس خوانده ما راز آنرا نمی‌فهمیم آنوقت چطور مرجع تقلیدی که هفتاد سال درس خوانده راز آنرا بفهمی ولی آن مقداری که می‌فهمیم مسئول هستیم شما اگر دیدی یک ورق قرآن است حرام است که پایت را روی آن بگذاری گرچه نفهمی معنایش چی است ولی همینکه فهمیدی قرآن است همین مقدار فهم مسئول هستی نباید پایت را روی آن بگذاری دست بی وضو روی آن نگذار ما به مقداری که مسئول هستیم باید بفهمیم. )

حسین جان حق تلاوت... صرف اینکه آدم قرآن حفظ کند ولی حق تلاوت چیز دیگری است حق تلاوت تجوید نیست تجوید خوب است اما حق تلاوت نیست قرائت خوب است اما حق تلاوت نیست.

تعبد امام حسین (علیه السلام) به احکام دین

پایبندی به احکام،

10- تعبد نسبت به حلال و حرام: امام حسین... الله اکبر زیادی گوش بدهید یک چیزی یادم آمد زیادی گوش بدهید ، امام حسین وقتی وارد کربلا شد پرسید این زمین‌ها مال کی است، صاحبش را آوردند زمین‌ها را خرید گفت حاضرم تکه تکه بشوم اما توی زمین مردم نباید باشم، یک چیز دیگر این هم الان یادم آمد، بلد بودم ولی حالا یادم آمد صبح عاشورا یا شب عاشورا بود امام حسین یارانش را جمع کرد و فرمود فردا شهید می‌شویم هر کدام به مردم بدهکار هستید بروید راضی نیستم که شهید شوید بروید قرض مردم را بدهید نمی‌شود که مال مردم توی شکم تان باشد حق مردم را ندهید بیائید جبهه، ببینید چقدر... زمینی که خون ریخته می‌شود الله اکبر... انقلاب به شرطی پیش می‌رود که آدم مواظب حرام و حلال باشد حالا حزب الله است حزب اللهی است که حزب اللهی است باید یک ذره حرام انجام ندهد. (یک خاطره بگویم نمی‌دانم توی ذهنم است که امام جمعه شهرکرد جناب آقای ناصری شنیدم الان توی ذهنم است که ایشان گفت نود و پنج درصد... امام جمعه یکی از

استانها بود نود و پنج درصد ایشان گفت حضرت امام (رحمه الله علیه) آمد توی یک سالن که نماز بخواند پشت در سالن کفش بود امام یک خورده نگاه به کفش‌ها کرد و برگشت گفتیم آقا چرا برگشتی فرمود اینجا کفش است من از روی کفش‌ها رد شوم و نماز بخوانم؟ پایم را بگذارم روی کفش مردم؟ گفتیم آقا ما افتخار می‌کنیم فرمود نه این حرفها نیست من پایم را روی کفش‌های مردم نمی‌گذارم گفت آقا کفش‌ها را کنار می‌زنیم بفرومائید گفت آخر کفش‌ها را بریزید روی هم و کنار بریزید یک وقت بر می‌گردند عمر مردم تلف می‌شود باید بگردند دنبال لنگه کفششان! )

### آفات مراسم عزاداری در محرم

ما می‌خواهیم برویم روضه ماشین را هر جا شد پارک می‌کنیم بابا راه بندان کردی شما وقتی عزاداریت ارزش دارد آن کسی که پشت فرمان است ممکن است دل درد دارد ممکن است زن زائو است ممکن است هواپیما و فرودگاه می‌خواهد برود ممکن است بچه‌اش را می‌خواهد بگذارد مدرسه ممکن است خبرش داده‌اند که اتاقت سوخته آخر یک کسی ممکن است توی ماشین مشکل داشته باشد تو وسط خیابان را گرفته‌ای همینطور یواش یواش داری می‌روی آقا جان از کنار خیابان برو عزاداری کن عزاداریت را با گناه قاطی نکنید چون آن کسی که پشت فرمان است هم دلش شور است هم عصبانی است و هم بخاطر امام حسین حیا می‌کند فحش بدهد توی رودرواسی این هم اذیت است فکر نکنید اذیت فقط شلاق است آدمی هم که کسی را در محصور قرار بدهد اذیت است بگذارید من قرآن بخوانم الله اکبر چقدر دین ما قشنگ است واقعاً قشنگ است می‌رفتند خانه پیغمبر ناهار دیگر بیرون نمی‌رفتند می‌نشستند گپ می‌زدند پیغمبر هی دلش شور می‌زد بابا شما آمده‌اید ناهار بلند شوید بروید نمی‌رفتند آیه نازل شد «فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ» الأحزاب/53 ناهارتان را که خوردید بلند شوید بروید ننشینید حدیث بشنوید چانه تان گرم شده بابا الان سه بعدظهر است شما باید یک بعداز ظهر خانه ما باشید الان چه می‌کنی بعد می‌گوید «إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ» این پیغمبر را اذیت می‌کنید پس اذیت فقط شلاق نیست گاهی هم فشارهای روحی اذیت است گرفتید چه می‌گوییم؟ قرآن به فشار روحی هم کلمه اذیت بکار برده پس اذیت دو تا است اذیت جسمی آدم یک نیشگون بگیرد اذیت روحی... توی روضه وارد می‌شود بچه را بلند می‌کند یک نفر دیگر را می‌نشانند سر جایش چرا بچه را بلند کردی؟ حالا گیرم این آقا استاد دانشگاه گیرم رئیس جمهور اگر یک آیت الله یا رئیس جمهور یا تاجری وارد شد شما باید بچه را از سر

جایش بلند کنی؟ هر کس بچه را بلند کند سر جایش بنشیند جایش دزدی است نماز هم بخواند نمازش باطل است نمی شود کسی را بلند کرد ما راحت می گوئیم خانم ها بروید بالا آقا جان! مردها بروند بالا اگر باید رحمی بشود باید به زنها رحم کرد ما همه جلساتمان مردها پائین هستند زنها بالا... ما یک اذیت های این رقمی می کنیم ما باید بگوئیم خدایا عبادت هایمان را ببخش گناهیمان را پیش کش مان. یک کسی بازار که می رفت وقتی می خواست مغازه باز کند می گفت خدایا تو شر مردم را از سرمان کم کن با شریک کنار می آئیم یعنی واقعه این است که گاهی عبادت های ما مملو از... تعبد یعنی در عزاداری...

دلیل تعبد را هم بخوانم، (قد حللت حلال الله و حرمت حرام الله) حسین جان! حلال خدا را حلال کردی حرام خدا را حرام کردی غذای هیئت مال همه است احدی حق ندارد بخاطر اینکه آشپز است یا بخاطر اینکه رئیس هیئت است یک خورده چرب تر به او بدهند بنده آقای قرائتی مشهور... آقای قرائتی است؟ بدهید، یک دیگ پلو بدهید بگذاریم پشت ماشین اش، من با یک آدم غیر مشهور فرقی نمی کنم اصلاً حرام است غذای هیئت مال هیئت است شما حق ندارید بیش از یک پرس بدهید به کسی دیگر بله اگر روضه شخصی بود آنرا باید حلالیت طلبید ولی عمومی را مشکل داریم.

ما همینطور توی عزاداریها انگار ملک پدرمان است این آشپز است این خودی است... حتی بانی حق ندارد اضافه بگیرد شما اگر دو تا گوسفند دادی برای هیئت می توانی بگوئی آقا من در هیئت دو تا گوسفند دادم پس یک خورده غذا بدهید به ایشان شما چکاره ای؟ تا گوسفند را نخیریدی مالک هستی وقتی سر گوسفند را بریدی و تحویل هیئت دادی تو با دیگران فرق نمی کنی بانی مسجد وقتی مسجد را وقف کرد دیگر با بیگانه ها یکی می شود مگر اینکه بگوید حق تولیت دارم.

**11- قوت قلب:** این قوت قلب هم یک چیزی است از زیبایی ها است، البته قوت قلب با همان شهامت قابل ادغام هست حالا اینجا تفکیک شده است. امام حسین به ابوالفضل (علیهما السلام) فرمود (یا اخی والله لو لم یکن فی الدنیا ملجأ) به خدا قسم اگر در دنیا هیچ پناهگاهی نداشته باشم (و لا مأوی) اگر هیچ پناهگاه و مأوی نداشته باشم به خدا قسم تنهای تنها بمانم با یزید بیعت نمی کنم.

**12-** خستگی ناپذیر: درباره خستگی ناپذیر داریم که می‌فرماید حسین جان (اشهد انک) گواهی می‌دهم که تو چنین و چنان هستی تا می‌رسد (و قمت بحقه) به حق خدا قیام کردی (غیرواهن و لا موهن) قیام کردی یعنی نه شل شدی و نه دیگران را شل کردی یعنی یک ذره عقب نشینی نکردی قرآن تعریف می‌کند «وَكَأَيُّنْ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رِثْوَنٌ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا» آل عمران/146 انبیائی بودند که یارانی داشتند می‌جنگیدند و ضعیف نمی‌شدند کلمات همین است می‌ترسم پس و پیش بگویم می‌گویند وهن است یعنی شل شده است (ما ضعفوا) ضعف است (ما استکانوا) یعنی اینها نه شل شدند نه ضعیف شدند نه خسته شدند.

برخورد بزرگوارانه امام حسین (علیه السلام) با دشمن

**13-** سعه صدر: یعنی سینه و روح بزرگ و وسیع، چه روحی، به حر فرمود (یتوب الله عليك و يغفر الله عليك) حر که آمد توبه کند گفت توبه‌ات قبول است من به تو دعا می‌کنم. امام حسین قبل از حر رسید به کربلا یعنی نزدیک کربلا فرمود همه مشک‌ها و ظرفها را آب کنید همه را آب کردند بعد حر با هزار نفر رسید گفت حر با هزار نفر آمده است که ما را بکشد فعلاً تشنه‌شان است آب به آنها بدهید به لشگر حر آب داد یکی از اینها گفت آقا اینها آمده‌اند ما را بکشند فرمود بابا تشنه‌شان است به آنها آب بدهید بعد یکی یک مشکى گرفته بود توی دهان یکی از افراد لشگر یزید این آب را درست نمی‌توانست درست بخورد آب اینطرف و آنطرف دهانش می‌ریخت امام فرمود چرا به او بد آب می‌دهی بگذار آب به دلش بچسپد مشک را به من بده امام حسین مشک را گرفت به این آقایی که آمده بود او را بکشد گفت این رقمی آب بده مشک را زیر گرفت حر می‌گوید که آتش گرفتم دیدم امام حسین از قبل آب ذخیره کرده حالا هم که این آقا بد آب دهان لشگر من می‌گذارد خود امام مشک را می‌گیرد در مشک را تنگ می‌کند که این آقایی که آب می‌خورد به دلش بچسپد خیلی اینها مهم است اینها را توی کتابهای روانشناسی و جامعه‌شناسی نه توی حوزه است نه توی دانشگاه این چیز دیگری است شبیه اینرا راجع به امام رضا (علیه السلام) هم داریم آن شبی که به امام زهر دادند فرمود که به برده هایم بگوئید که با هم غذا بخوریم برده‌ها هم نشستند و غذا خوردند خوب نمی‌دانستند که آقا چرا این جوری شده خیلی به طور طبیعی نشستند و غذا خوردند به طور طبیعی یکی یکی هم رفتند همینطور خیلی شل

رفتند تا آخرین نفر که رفت بیرون امام فرمود در را ببند افتاد روی زمین غلتید و غلتید گفتند چه شد؟ امام فرمود سوختم، گفتند کی؟ فرمود خیلی وقت است که دارم می‌سوزم منتهی گفتم اگر بگویم سوختم این برده‌ها غذا به دلشان نمی‌چسبد من برای اینکه غذا به دل اینها بچسبد سوختم ولی اظهار نکردم مسئله مهمی است.

14- پاسداری از دین، (و عن الشریعۃ محامیا) زیبایی‌های کربلا، پاسداری از دین، من آمده‌ام کربلا که حمایت کنم... همان شعری که ابوالفضل فرمود به خدا قسم دست راستم را قطع کنند دست از دینم بر نمی‌دارم (إنی احامی ابدأً عن دینی) به خدا قسم از حسین دست بر نمی‌دارم به خدا قسم از دین دست بر نمی‌دارم بالاخره حوادثی پیش می‌آید یکوقت انسان ضربه هم می‌بیند ولی نباید از مکتب‌اش دست بردارد.

خدایا همه کمالات زیبا را نصیب همه ما بفرما.

ما را با دینت آشنا و عاشق بفرما.

زینب کبری که به نمایندگان یزید سخن‌اش این بود (ما رأیت إلا جمیلاً) من چیزی نمی‌بینم جز زیبایی هر چه می‌بینم زیبایی می‌بینم این یعنی چه؟ زیبایی‌هایی که در لشکر امام حسین (علیه السلام) بود در مقابل زشتی‌ها و ننگ‌ها و جنایت‌هایی که در لشکر یزید بود جنایت‌های یزید را می‌دانید به بچه آب نمی‌دهند دوازده هزار نامه می‌فرستند که بیا، در تاریخ مهمانی، مهمانی که دوازده هزار نامه دعوت داشته باشد جز امام حسین (علیه السلام) نیست در تاریخ مهمانی، مهمانی که بین دو تا نهر آب تشنه شهید بشود نیست در تاریخ مهمانی کسی مهمان و بچه شیر خوارش را روی دستش بکشد روبروی چشم بابا در تاریخ مهمانی سابقه ندارد اصلاً چیزهای کربلا با هیچ چیز قابل قیاس نیست.

1- جوانمردی و غیرت در کربلا

15- جوانمردی و غیرت، این جمله معروف است که شک کردند امام حسین (علیه السلام) هنوز زنده است یا شهید شد گفتند حمله کنید به خیمه ایشان دریای غیرت است اگر حتی یک نفس داشته باشد می‌آید... یک سوال ایدئولوژی، آخرین سخن امام چه بود؟ دفاع از ناموس، نهی از منکر، دفاع از مظلوم، بعد می‌گوید (إن لم یکن لکم دین فکونوا احراراً فی دنیاکم) این خیلی مهم است یعنی اگر می‌خواهی امر به معروف و نهی از منکر کنی لازم نیست که بگویی تو که حزب اللهی هستی ممکن است حزب اللهی نباشد بگو انسان که هستی، اگر

دین ندارید بابا آزاد باشید، مسلمان نیستی ایرانی که هستی خدا را دوست نداری خودت را که دوست داری وطن را که دوست داری یعنی برای جلوگیری از فساد لازم نیست که از قلاب ایمان استفاده کنی از هر قلابی می‌توانی استفاده کنی مثلاً کسی فحش می‌دهد بگویی فحش حرام است می‌گویی برو بابا آقا شیخ حرام حرام در آورده ای، بگوئیم آقا تو دانشمند هستی تو تحصیل کرده هستی این حرف قشنگ آدم تحصیل کرده نیست اگر می‌دانی که کلمه تحصیل را مطرح کنی فحش نمی‌دهد اینجا نگو تو مگر مومن نیستی اینجا شرعاً حرام است از مدرک بگو، بگو تو که فوق لیسانس هستی فوق لیسانس که نباید این حرف را بزند امام حسین (علیه السلام) به ما یاد داد جلوی فساد را بگیرد حتی اگر از اهرم دین استفاده نشد از هر چی شد استفاده کن. جامعه ما باید جامعه سالم باشد هر چی شد از راه دین و هر چی هم شد از راه علم هر چی شد از راه عقل و هر چی شد از راه عاطفه.

#### 16- برخورد های عاطفی و انسانی قرآن و امام حسین با مردم و

قرآن گاهی وقتها برای اینکه پول مردم را در بیاورد یعنی به مردم بگوید که کمک کن گاهی می‌گوید بابا جهنم پول نمی‌دهی «فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ» التوبة/35 فلز داغ را داغ می‌کنند می‌گذارند به پیشانی‌ات و می‌گویند «هَذَا مَا كَنَزْتُمْ» التوبة/35 این همان پولهایی بود که قایم کرده بودی گاهی افراد را از جهنم می‌ترساند.

گاهی افراد را تشویق می‌کند می‌گوید اگر پول بدهی مثل دانه‌ای است که می‌کاری هفت تاخوشه می‌دهد و هر خوشه صد تا دانه می‌شود هفتصد گاهی می‌گوید بابا گیرم قیامت را قبول نداری تشویق هم نمی‌خواهد تو آدم که هستی «يَتِيماً ذَا مَقْرَبَةٍ» البلد/15 یتیم فامیل تو است «مِسْكِينًا ذَا مَقْرَبَةٍ» البلد/16 بابا روی خاک نشسته است تو دو تا قالی روی هم انداخته‌ای او روی خاک نشسته است تو چند تا چمدان لباس زیادی داری او دارد می‌لرزد بحث ایمان نیست یعنی خداوند برای اینکه به فقرا کمک کنیم حتی از مسائل روانی استفاده می‌کند می‌گوید از اینهایی که زکات می‌گیری «وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ» التوبة/103 وقتی پیغمبر به آنها دعا می‌کند دعای پیغمبر برای کسی که پول داده و زکات داده است آرامبخش است اگر با تشکر تلفنی این شارژ می‌شود او را شارژ کن خلاصه باید کار خیر بشود.

از طریق دین شد چه بهتر اگر نشد از طریق علم... یکوقت می‌گوئیم سیگار حرام است مثل اینکه بعضی از



مراجع هم فرموده‌اند کسی که سیگاری نیست با دود خودش را سیگاری می‌کند به بقیه ظلم می‌کنی به خودت ظلم می‌کنی هوا را آلوده می‌کنی که چی؟ یکوقت می‌گویی آقا ما کاری به حلال و حرامی آن نداریم، این آهنگ حلال است؟ ما کاری به حلالی و حرامی آن نداریم من مخم را در اختیار این خواننده نمی‌گذارم چون مخ من حیف است اگر با مخم فکر کنم بهتر از این خواننده می‌توانم مسائل را درک کنم من یک دانشجو هستم من یک دبیرستانی هستم من بهتر می‌توانم فکر کنم چرا مخم را در اختیار این خواننده قرار دهم مگر همه حلالها را باید ما انجام بدهیم پس ببینید گاهی می‌گوئیم آهنگ حرام است گاهی می‌گوئیم تو حیف هستی گاهی می‌گوئیم بده خدا به تو می‌دهد گاهی می‌گوئیم بابا بده فامیل تو است روی خاک نشسته است از همه امکانات برای رشد خوبی‌ها ما باید استفاده کنیم. امام حسین (علیه السلام) فرمود شما حر باشید یعنی مرد باشد....

قیام امام حسین (علیه السلام) برای اصلاحات

مسئله اصلاح گری، ببینیم اصلاح گر کی است بعضی‌ها گفتند ما خواهان اصلاحات هستیم امام حسین (علیه السلام) فرمود من اصلاح طلب هستم.

17- طرفدار اصلاحات، فرمود (خرجت) من از مدینه آمدم کربلا برای چی؟ (لطلب الاصلاح) من می‌خواستم اصلاح کنم برای طلب اصلاح، چی را می‌خواستی اصلاح کنی؟ (فی امت جدی) اصلاحات... رهبر خط اصلاحات باید امام حسین... امام حسین چه کرد اگر خط ما به خط امام حسین (علیه السلام) می‌خورد ما هم طرفدار اصلاحات هستیم اما اگر کلمه اصلاحات را گفتیم اما کار دیگری کردیم این خودش یک نفاق است که آدم بگوید بیا تو را ببوسم بعد گاز بگیرد بگوید بیا مهمانی بعد به او سم بدهد لفظ لفظ حسینی باشد عمل عمل... به قول مقام معظم رهبری فرمود اصلاحات آمریکایی یعنی اصلاحاتی که آمریکا شاد بشود ما... من خیلی لذت می‌برم تا الان که خدمت شما نشسته‌ام در آستانه شصت سال هستم هنوز یک کلمه پیدا نکرده‌ام که یک حرف نو داشته باشد هر که هر حرف زیبایی دارد ما بهتر آنرا در قرآن داریم مثلاً سخن از سازندگی می‌شود سازندگی کار خوبی است اما قهرمان سازندگی ذوالقرنین است سدی ساخت که چند قرن میخ توی آن فرو نرفت.

گفتگو با ملت‌ها با تمدن‌ها حرف خوبی است ولی باز هم قرآن پیشقدم است چون تمام (قالوا) (قل)، (قالوا)

یعنی آنها گفتند (قل) یعنی تو هم بگو این گفتگوی تمدن هاست. هر کسی هر حرفی می‌زند رهبرش یا قرآن است یا اهل بیت، چرا از خودم بگویم امام رضا (علیه السلام) به دو نفر فرمود (شرقاً او غرباً) به شرق بروید یا به غرب بروید کسی حرف نو برای زدن ندارد جز اینکه ما قبل از او زده‌ایم امام رضا (علیه السلام) فرمود حرفی که می‌زنم اگر تعجب می‌کنید شما از امام رضا هم تعجب نکنید به من بگوئید که این حرف نو را از کجا در آورده‌اید تا من بگویم این حرف نو از کدام آیه قرآن است یعنی هیچکس حرف نو ندارد جز اهل بیت و اهل بیت هم فرمودند حرف نو ما از قرآن است این خیلی جالب است.

18- استفاده از ابزار مشروع و قانونی، شخصی حرف هرزه‌ای به امام حسین (علیه السلام) زد، خدایا عذاب او را زیاد کن، یک جسارت کرد یکی از یاران امام سوخت نزدیک حضرت رفت و گفت آقا بزمن توی دهانش تیر اندازی کنم حضرت فرمود بنشین و تیر اندازی نکن (لا ترمی فانی اکره عن ابدئه بالقتال) بحار ج 5 ص 5 من نمی‌خواهم که به من بگویند اولین تیر انداز حسینی‌ها هستند بگذارید اگر آنها تیر اندازی کردند ما جنبه دفاعی داشته باشیم نه جنبه تهاجمی و ابتدایی.

19- بی رغبتی و زهد در دنیا، سادگی و زهد، توی جمهوری اسلامی اول انقلاب خیلی زندگی‌ها ساده بود روز به روز دارد تجمعات اضافه می‌شود میزها مبل‌ها ماشین‌ها دکورها و اینها... (حتی فیلم‌های تلویزیون تمام خواستگاری‌ها و نامزدیها و عروس و دامادها در خانه‌های قشنگ و... ما توی همین جمهوری اسلامی کسی را داریم که دو دور وزیر بود الان هم از چهره‌های بسیار عزیز است پاسدارش می‌گفت ما یک شب دیدیم خانه ایشان بیش از قاعده مهمان آمد مثلاً مهمانی ایشان ده نفره و پنج نفره بود یک شب دیدیم ایشان سی و پنج تا مهمان داشت ولی ما نفهمیدم چیه؟ گفتیم آقای وزیر مثل اینکه امشب سر شما شلوغ بود گفت دخترم عروسی‌اش بود عقد دخترم بود گفتیم اه! یعنی عقد دخترش در حدی بود که پاسدارهایش فهمیدند ایشان مهمانهایش بیشتر است ما این رقمی هم داشته‌ایم حالا آقا تالار بگیر چی بگیر حالا در حد معقول طوری نیست چشم و هم چشمی... ازدواج را برده به سمتی که... حالا انشاء الله اگر من زنده باشم محرم و صفر تمام بشود من می‌خواهم چند ماه راجع به ازدواج آسان حرف بزمن حرفهای اساتید دانشگاه را گرفته‌ام حرفهای کتابها را گرفته‌ام خودم مطالعه کرده‌ام خیلی اطلاعات جمع کرده‌ام شاید یک... الان ازدواج فقط شده مال بچه پولدارها فقرا دیگر آه می‌کشند اینکه ازدواج نشد ازدواج اسلام غیر از ازدواج ما است یعنی ما خیلی داریم منحرف می

شویم. )

در زیارت نامه می‌خوانیم (کنت زاهداً فی الدنيا) حسین جان! در دنیا زاهد بودی (و همتک عن زینتها مصروفه) همت تو از زینت دنیا منصرف شد البته آدم یک ذره یک ذره اینطور می‌شود مثلاً من فکر می‌کنم که اگر با پیکان بروم این توهین به من است فکر می‌کنیم فکر می‌کنیم همه‌اش خیال است.

#### 4- کسب آگاهی و اطلاعاتی سیاسی

20- یکی از زیبایی‌های کربلا جنگ یک جنگی بود که... کسب اطلاعات، آگاهی به امور سیاسی و اطلاعاتی، این هم یکی از زیبایی‌های کربلا بود چون امام حسین (علیه السلام) به محمد حنفیه برادرش گفت تو کربلا نیا و مدینه باش (علیک أن تقیم بالمدينه) لازم است تو در مدینه بمانی (فتکون لی عیناً علیهم و لا تخفی عنک شی من امور) تو چشم من باش و هیچی از امور مدینه از من مخفی... یعنی لحظه به لحظه کارهایم را... ما در اسلام سه رقم اطلاعاتی داریم اطلاعاتی داریم اطلاعات عمومی و مردمی اطلاعات با ابلاغ اطلاعات ویژه، اطلاعات عمومی، در نهج البلاغه داریم که حضرت امیر (علیه السلام) به استاندارش می‌گوید (بلغنی) یعنی به من گزارش داده‌اند که تو همچین کاری کرده‌ای، (بلغنی) یعنی به قول آقای شهید رجایی اطلاعات سی و شش میلیونی، یعنی همه مردم اطلاعاتی باشند اگر یک خانمی دید که شوهرش هروئین رد و بدل می‌کند این را اطلاع بدهد به مواد مخدر نگوید این شوهر من است نانش قطع می‌شود بابا تو می‌روی نان خودت را قطع کنی جوانهای مردم نابود می‌شوند همه ما باید نسبت به مسائل عمومی اطلاعات بدهیم به اهل آن.

دومی را بگوییم مأموریتی، کسانی که از وزارت اطلاعات حقوق می‌گیرند از حراست از نمی‌دانم... از حفاظت اطلاعات، اصلاً پول می‌گیرد حقوق می‌گیرد اینرا می‌گوید (وابعث العیون) یعنی یک چشم‌هایی را انتخاب کن که بروند گزارش تهیه کنند یک اطلاعات ویژه داریم نهج البلاغه داریم (عینی بالمغرب) یعنی چشمی که در مغرب دارم یعنی یک بازرس ویژه، عیون جمع عین است یعنی هم بازرس حقوق بگیر داریم هم بازرس ویژه داریم هم بازرس مردمی. یعنی معنای حزب اللهی این نیست که آدم دستش را هم بگذارد و از هیچی خبر نداشته باشد باید انسان هم ریز مسائل را بداند و هم... (آخر ببینید مسافره‌ای زمینی تپه‌ها و اینها را می‌بینند مسافره‌ای هوایی توی هواپیما قله‌ها را می‌بینند دیگر از این جاده‌های فرعی غافل هستند آن کسی که می‌خواهد

عمیق باشد باید هم راههای فرعی و ریز را بلد باشد هم قله های... یعنی باید هم توجه به مسائل داخلی و خارجی داشته باشد. لذا داریم اگر مجرمی در یک کشوری جنایت کرد فرض کنید یک مسلمانی در اتریش جنایت کرد می فرماید که در اتریش به او شلاق زنید برای اینکه مردم نگاه می کنند می گویند این مسلمان یک کاری کرده چون آبروی کشور اسلامی می ریزد اینرا ببرید توی کشور اسلامی بزنید دستش را قطع بکنید اما بگذارید آبرویمان پیش بیگانه ها نرود دست دزد را باید قطع کرد حتی می گوید «وَلْيَشْهَدْ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ» النور/2 در مواردی هم باید که روبروی مردم شلاق زد ولی خودیها بفهمند بهتر از این است که بیگانه ها بفهمند ولی من نمی دانم این افرادی که مختصر چیزی را روی اینترنت می گذارند و به همه دنیا پاس می دهند آقا ما رفتیم دارو گیرمان نیامد ما رفتیم تخم مرغ گران شده تا یک مسئله جزئی هست تنها وقتی که با این... آخر اینترنت یعنی دیوارها را برداشته اند همه خانه ها به هم سوارخ شده همه دنیا به هم سوراخ شده است هر کس هر چی دارد می تواند به همه بگوید خیلی خوب تکنولوژی است و ما هم استفاده می کنیم بنده هم خودم اینترنت دارم یعنی سایت دارم ولی استفاده از تکنولوژی یک مسئله است آبروی نظام را ریختن یک مسئله ای دیگر است انسان حق ندارد آبروی خودش را بریزد حدیث داریم شما حق نداری که بگویی من بدبخت و ضعیف حالا با خدا مناجات می کنی بگو المسکین الفقیر الحقیق اما آقا می دانی چی شد ما دیشب گوشت مان سوخت چرا می گویی؟ سوخت که سوخت چون خانم تا به شما نگاه می کرد فکر کرد که یک خانم حسابی هستی حالا فهمید که یک خانمی هستی گوشت را می سوزانی یعنی خودت خودت را... یعنی حدیث داریم خدا اجازه نمی دهد که مؤمن خودش آبروی خودش را بریزد آنوقت شما اجازه می دهی که آبروی نظام را بریزی بخاطر اینکه... عیب که داریم)

## 5- شیوه برخورد ما با مشکلات نظام

ممکن است که نظام ما مشکلاتی داشته باشد مسئولین آن ممکن است مشکلات داشته باشند عادی اش ممکن است مشکلات داشته باشند ولی نقل مشکلات به دیگران درست نیست ما داریم که امر به معروف بکن نهی از منکر بکن اما تضعیف... من جمله ای هست توی تلویزیون گفته ام ولی چون مال چند سال پیش است اجازه بدهید که تکرار کنم طوری نیست این جمله یادتان نرود بخصوص دانشجویها خواهش می کنم این سه تا کلمه را می توانید حفظ کنید. توجیه حماقت است، این جمله مال آقا شیخ علی صفائی است بنام عین صاد توی

کلماتش حرفهای درخشنده‌ای داشت می‌گفت توجیه حماقت است آقا همه مسئولین عادل هستند همه با تقوا هستند همه زاهد هستند نه خیر این خبرها نیست خود بنده که رئیس نهضت سواد آموزی هستم اگر بگویند عیب هایت را بنویس شاید پنجاه تا عیب خودم از خودم بگیرم بعضی‌ها دسته گل‌هایی آب می‌دهند رئیس جمهور یونسکو رئیس جمهور فرانسه زنگ زد به رئیس جمهور ایران تلفنی از نهضت سواد آموزی تشکر کرد بعد هم سفیر آمد یک لوح به ما بدهد جشن هم گرفتند سفر آمدند تصادفاً آنجا لوح گم شده بود نوار هم بناست سرود بخوانند نوار هم خراب شد قاری هم دیر کرد اصلاً همه دست به دست هم داد آن جلسه بد شد ولی هر کس هم نگاه می‌کنی... کسی هم تقصیر نداشت بد شد یک بار هم گاز قطع می‌شود هم برق قطع می‌شود هم بچه می‌افتد هم دست آدم می‌رود لای در یکباره می‌بینی همه به هم ور می‌شود گاهی یک چیزهایی پیش می‌آید توجیه نکنید حماقت است.

تضعیف جنایت است، ما بیائیم بگوئیم حالا که فلانی فلان عیب را دارد پس بیائیم نظام را تضعیف کنیم توی انتخابات به نظام رئیس جمهور رأی ندهیم به وکیل رأی ندهیم پایمان را کنار بکشیم به شورای اسلامی رأی ندهیم نماز جمعه نرویم جماعت نرویم تضعیف کنیم ما چند هزار جوان شهید و جانباز و اسیر دادیم این جمهوری گران تمام شده مگر می‌شود که تضعیف کرد جنایت به خون شهداست.

تکمیل رسالت است، رسالت ما این است که بیائیم عیب‌ها را برطرف کنیم توجیه حماقت است تضعیف جنایت است تکمیل رسالت است رسالت ما این است که بیائیم با امر به معروف خوبی‌ها را تکمیل کنیم با نهی از منکر جلوی بدی‌ها را بگیریم تذکر بدهیم به افراد که آقا این کار را بکنید این کار را نکنید.

## 6- بهره‌گیری از همه امکانات در قیام عاشورا

21- یکی از زیبایی‌های که امام داشت ضمن اینکه رفت کربلا و می‌دانست که شهید می‌شود باید از این خون حداکثر استفاده را بکند، استفاده حد اکمل، بهترین بهره‌گیری، بعضی‌ها هستند امکانات دارند اما خوب بهره‌گیری نمی‌کنند. امام حسین فرمود: «بادروا بصحّة الاجسام فی مدّة الاعمار» (الفصول المهمّة/ص 178): از سلامتی خود در مدت باقی زندگی برای رسیدن به اهداف استفاده کنید.

\*پیش‌سازی: امام حسین (علیه السلام) قبل از اینکه بیاید مکه و کربلا وقتی یزید به حکومت رسید به فرماندار

مدینه گفت از امام حسین (علیه السلام) بیعت بگیر امام فهمید که... در مسجد نشسته بود گفتند آقا دارالعماره شما را احضار کرده است باید بیایید امام فهمید که معاویه مرده و یزید به حکومت رسیده است به فرماندارش گفته بیعت بگیر بعد گفته بود فرماندار اگر امام بیعت نمی دهد توی خانه او را ترور کن بکش امام فرمود (فدعا بجماعه) یک جماعتی را دعوت کرد از یارانش (من اهل بیده و موالیه) از دوستان و فامیل هایش دعوت کرد (و کان ثلاثین رجلاً) اینها سی نفر بودند گفت شما سی نفر (و امرهم بحمل السلاح) فرمود شما اسلحه بردارید من می روم دارالعماره (فاجلسوا الباب) شما پشت دیوار بنشینید و کمین بگیرید (فان سمعتم صوتی قد علی) اگر صوت من را شنیدید، اگر دیدید که نعره کشیدم (فادخلوا علی لتمعن علی) از دیوار بپرسید تو که جلوی کشتن من را... امام حسین (علیه السلام) حرفی ندارد که کشته بشود اما نمی خواهد توی اتاقی کشته بشود که هیچ خبری... گفت بگذار بروم مکه دو سه ماه مکه ماند تا حاجی ها آمدند سخنرانی کرد صد و بیست و پنج روز در مکه سخنرانی کرد اصلاً نگفته رفت مردم دیدند که امام نیست چی شده؟ دیروز دارالعماره امام را احضار کرده از دیشب تا حالا نیست مثل اینکه مردم ببینند امام در جماران نیست مقام معظمی در محل خودش نیست به هیچکس هم نگفت نگفته رفت تا ول وله... یکوقت می گویم آقا بنده بروم یک تلفن جواب بدهم و برگردم شما آرامش دارید چون می گوئید قرائتی رفت تلفن جواب بدهد اما یکوقت میکروفن را پرت می کنم و می روم و به کسی هم نمی گویم که چیه این ول وله می افتد از مدینه رفت تا ول وله بیفتد صد و بیست و پنج روز توی مکه سخنرانی کرد تا همه اهل مکه بفهمند حکومت یزید اسلامی و شرعی و قانونی نیست.

حاجی ها که آمدند باز ایشان رفت تا باز موج بیندازد وقتی هم رفت از وسط جمعیت رفت روز هم رفت سوار هم شد رفت کاروان هم راه انداخت اینها همه اش فرمول دارد اگر امام تنهایی می رفت کسی نمی فهمید می گفتند آقا کجا داری می روی ما از دنیا آمده ایم مکه شب عید قربان همه حاجی ها دارند می آیند تو چرا می روی؟ مخصوصاً روز رفت تا ببینند از وسط جمعیت رفت تا بپرسند کاروان راه انداخت تا بفهمند دارد هجرت می کند و الا اگر خودش تنهایی سوار اسب می شد کسی نمی فهمید بعد هم تا می گفتند آقا کجا می روی می ایستاد و سخنرانی می کرد می گفت نمی دانید که چه خبر است؟ یزید به حکومت رسیده می خواهند از من بیعت بگیرند من پناهنده شده ام به مکه می خواهم در مکه به خانه من بریزند حریم مکه شکسته می شود من از مکه می روم کربلا سلام من را به فامیل هایت برسان بعد از حج بگو حکومت یزید قانونی نیست و حسین (علیه السلام)

رفت کربلا یعنی این کپسول خالی‌ها که آمده بودند مکه این حاجی‌ها، تمام این کپسول خالی‌ها در مکه پر از گاز شدند همه اطلاعات را گرفتند هر حاجی وقتی برگشت بعنوان یک خبر تازه... خبر تازه این بود که شب عید قربان که همه حاجی‌ها جمع شدند امام حسین (علیه السلام) رفت بعنوان خبر تازه موج انداخت بناست که... ما گاهی وقتها برای مقابله با فساد از هر امکاناتی باید استفاده کنیم بهترین استفاده را هم بکنیم.

\*پس سازی: (آقا یک سوال، بنده الان تنهایی حریف شما می‌شوم یا نه؟ نه، چون من یک نفر هستم شما یک جمعیت هستید اما من می‌توانم عمامه‌ام را بردارم با سر برهنه بروم توی خیابان بگویند آقای قرائتی عمامه‌ات کو؟ والله مردم فلان منطقه بردند می‌گویندای خدا لعنت شان کند یعنی من می‌توانم با برداشتن عمامه تمام در و دیوار را علیه شما بشورانم این خیلی مهم است) امام حسین (علیه السلام) وقتی می‌خواست برود با خودش خبرنگار برد هم خبرنگار زن برد زینب کبری (علیها السلام) هم خبرنگار مرد برد امام سجاد (علیه السلام) چهل پنجاه تا ضبط صوت برد کوچولوها همه ضبط صوت بودند آمدند با چشم هایشان فیلم برداری کردند با گوش هایشان نوار گرفتند هر بچه کوچولویی می‌آمد می‌گفتند آقا زاده تو هم کربلا بودی؟ آنچه را دیده بود و شنیده بود نقل می‌کرد و مردم زار زار گریه می‌کردند.

\*سندسازی: امام حسین (علیه السلام) علی اصغر را با خودش برد علی اصغر کوچولو است ولی یک امضای کوچولو به یک ورق بزرگ ارزش می‌دهد علی اصغر به کربلا ارزش سندی داد اگر علی اصغر نبود می‌گفتند بابا دو گروه می‌خواستند حکومت کنند جنگ شد یکی یکی را کشت الان می‌گویند علی اصغر چه گناهی کرده بود؟ این سند خیلی مهم است بهترین استفاده را امام حسین (علیه السلام) برد بهترین بهره گیری را کرد.

\*عدم اسراف نفس و نفر و فشنگ: (حالا چون... یک چیزی هم از ارتش و قوای مسلح بگویم در قوای مسلح می‌گویند قوایی ارزش دارد آن لشگری ارزش دارد که آخرین فشنگ را بکار ببرد اگر یک سربازی هنوز فشنگ دارد و شکست خورد می‌گویند بی عرضه تو باید آخرین فشنگ را سربازی را می‌گویند آفرین که تا آخرین نفس دفاع کند باز اگر هنوز نفس دارد و شکست خورد می‌گویند تا آخرین نفس دفاع نکردی ارتشی ارزش دارد که سپاهی ارزش دارد که آخرین نفر باشد یعنی آخرین فشنگ آخرین نفر و آخرین نفس امام حسین (علیه السلام) سه تا آخرین را داشت آخرین نفر علی اصغر آخرین نفس در گودی قتلگاه فرمود به زن و بچه‌ام کاری نداشته باشید و اما آخرین فشنگ، یکی از یزیدیها سر یکی از یاران امام حسین (علیه السلام) یعنی وهب را

برید برای اینکه دل مادرش را بسوزاند سر این شهید را انداخت جلوی مادرش حالا یک مادر بچه شهیدش را سرش را انداختند توی دامنش چه حالی پیدا می‌کند؟ مادر هم نگاهی کرد و گفت چیزی که در راه خدا دادیم پس نمی‌گیریم سنگ که ندارم از کله تو بجای سنگ استفاده می‌کنم کله بچه‌اش را گرفت زد به آن سرباز یعنی حتی از سر بچه اش... ( اقدام برای اصلاح تا آخرین نفس، امر به معروف تا آخرین نفس، امام فرصت سوزی نداشت، ما امر به معروف می‌کنیم ولی یکبار که گفتیم گوش نداد می‌گوئیم ول کن بابا به من چه، مثلاً یکبار می‌گوئیم داداش سیگار نکش دیگر بعد رهائش می‌کنیم بلند شو نمازت را بخوان نمی‌خواند می‌گوئیم ول کن خسته شدیم ما با یکی دو بار خسته می‌شویم ببینید برادرها و عزیزانی که پای تلویزیون هستید شما پدر تا کی بچه‌اش را می‌برد دکتر؟ آنقدر می‌بریم دکتر تا بچه خوب شود هیچ پدر و مادری نمی‌گوید من یک قرص به او دادم خوب نشد بگذار بمیرد شما اگر یک جایی گیر کنی یک بار داد نمی‌زنی اینقدر داد می‌زنی تا یک راه نجاتی پیدا کنی قندی را که می‌خواهند بشکنند اگر یکبار قندشکن را زدند قند نشکست نمی‌گویند قند را توی کوچه بیندازیم اگر میوه درختی را دیدی که نرسیده شاخه‌اش را نمی‌شکنی آنقدر صبر می‌کنیم تا برسد آنقدر قند را می‌زنیم تا قند بشکند آنقدر تیر می‌زنیم تا چوب بشکند آنقدر به دکتر مراجعه می‌کنیم تا مریض خوب بشود اگر بیماری داری و نسخه‌ای دست طرف بود دو تا داروخانه بسته بود بر نمی‌گردی بگویی من رفتم هفت هشت تا داروخانه بسته بود شما بهتر است که دیگر بمیری حتی از شهرستانها هم باشد تاکسی تلفنی کرایه می‌کنی خودت را به آب و آتش می‌زنی از شهر دیگر از بیمارستان دیگر پزشکی دیگر... اینطور نیست که بگویی آقا من گفتم گوش نداد تا آخرین نفس... کربلا همه چیزهایش از آخرین ها و بهترین هابود آخرین نفس، اگر نفسی داشتی و اسیر شدی پیداست که خوب دفاع نکرده‌ای یعنی باید گرفتار بشوی که دیگر نفسی نباشد اگر باز نفراتی داشتی باز معلوم می‌شود که حق‌اش را انجام نداده‌ای، رزمنده‌ای خوب است که سه تا آخرین داشته باشد آخرین نفر آخرین نفس، آخرین... و در کربلا سه تا آخرین بود آخرین نفر علی اصغر را هم دادند آخرین فشنگ و هب در کربلا شهید شد سر و هب را انداختند پهلوی مادرش که داغ ببیند مادر نگاهی به سر کرد و گفت ما چیزی را که در راه خدا داده‌ایم پس نمی‌گیریم دو مرتبه از سر پسرش بجای قلوله سنگ استفاده کرد و سر را انداخت توی کله کسی، یعنی حتی از سر بچه شان بجای فشنگ استفاده کردند.

آخرین نفس، امام حسین آن آخرین دقیقه و لحظاتی را هم که در گودی قتلگاه بود که یکی دو دقیقه بعد سر از بدن مطهرش جدا می‌شد فرمود به زن و بچه‌ی من کاری نداشته باشید یعنی دفاع از ناموس دفاع از غیرت، آخرین، امتحان هوش، آخرین نفس، آخرین نفر، آخرین فشنگ، الان توی ارتش‌های دنیا این سه تا آخرین نیست بسیاری از ارتش‌ها تسلیم می‌شوند با اینکه هنوز فشنگ دارند با اینکه هنوز نفر دارند با اینکه هنوز نفس



دارند کربلا برای قویترین ارتش‌دهای دنیا تابلو است ما باید افتخار کنیم خوب این حرف را از کجا می‌گوی؟

حرفی که می‌زنم روایتی است که در بحار است در زیارت امام حسین داریم (و تنکر المنکر) تو جلوی منکر را گرفتی (بقلبک و لسانک علی حسب طاقتک و امکانک) الان امکانات زیاد است ولی مطالعه نیست کتابخانه زیاد است ولی آیا مثلاً طلبه‌های امروز ما... حالا اول از خودم بگویم که نگویند قرائتی به ما حرف می‌زند مثلاً الان طلبه‌های امروز ما بیشتر باسواد هستند یا طلبه‌های قدیم؟ علمای امروز باسواد هستند یا علمای قدیم؟ الان همه علمای امروز سر سفره کتابهای قدیم‌ها می‌نشینند؟ یعنی با چراغ پی سوز صدو ده جلد کتاب بحار مجلسی نوشت که بنده پای پرژکتور حال مطالعه‌ی ده جلد آنرا ندارم با الاغ صله رحم می‌کردند که حالا همه فامیل ماشین دارند با هم قهر هستند همه توی جیب شان تلفن همراه است وسیله‌ی ارتباط هست اما خودشان ارتباطی با هم ندارند وسیله‌اش هست خودش... مهر بزرگ است نماز نمی‌خواند، مسجد بزرگ است نماز خوان نیست، کتابخانه هست مطالعه نیست، امکانات حرف اول را نمی‌زند حرف اول را جوهر آدم می‌زند (ما توی مملکت مان مشکل مان دو تا چیز است 1- کت و شلواری‌هایی می‌خواهیم که خون رجایی توی بدنشان باشد 2- آخوندهایی می‌خواهیم خون سیدحسن نصرالله و خون نواب صفوی و حضرت امام (رحمه الله علیه) توی بدنشان باشد جوهر داشته باشند آدم اگر جوهر داشته باشد هیچی نداشته باشد موفق است ولی اگر آدم همه امکانات را داشته باشد خودش ذاتش جوهر... ) جوهر مثل چاهی است که خودش آب داشته باشد اگر چاه خودش آب داشته باشد منطقه را آب می‌دهد اما اگر چاه خشک باشد هی با لوله آب توی آن بریزند فایده‌ای ندارد خود طرف باید جوهر داشته باشد آدم اگر سخاوت داشته باشد روی موکت افطاری می‌دهد سخاوت نداشته باشد همه‌ی اتاق هایش قالی ابریشم است سال می‌آید و می‌رود یک گرسنه روی آن سیر نمی‌شود جوهر سخاوت غیر از اتاق پذیرایی است.

توجه به مشکلات و سختی‌های گذشتگان

\*جریان سازی: کربلا خیلی زیبایی دارد، استادی ارزش دارد که از جرقه‌ها جریان درست کند امام حسین (علیه السلام) نفرمود من بیعت نمی‌کنم می‌گفتم خیلی خوب آن حسین (علیه السلام) است و پسر زهرا (علیها السلام) البته نباید بیعت کند اما فرمود (مثلی لا یبایع مثله) هر کس مثل من است رنگ من را دارد فکر من را دارد خون من توی بدنش است اعتقاد من را دارد هر کس مثل من است نباید با مثل یزید بیعت کند این جرقه بود یعنی امام حسین (علیه السلام) خودش یک جرقه و یک حادثه فرد به فرد بود اما از حادثه فرد به فرد یک قانون درست کرد گفت فکر نکنید که من هستم و او در طول تاریخ هر کسی فکر حسینی داشته باشد نباید

بیعت کند با کسی که فکر یزیدی دارد فرمود مثل من با مثل یزید خیلی قشنگ است که آدم بتواند از جرقه‌ها جریان درست کند یعنی از یک حادثه... (قرآن هم همینطور است شأن نزول که می‌گویند یعنی حادثه‌ای پیش آمده است امام علی (علیه السلام) می‌خواست برود دید دو نفر دارند به هم فخر می‌فروشند یکی می‌گوید زنده باد من که کلید دار کعبه هستم دیگری می‌گوید زنده باد من مسئول آبرسانی هستم حضرت فرمود کلید داری و مسئول آب خیلی مهم نیست من بیشتر از شما هم توی جبهه بوده‌ام هم ایمانم قبل از شما بوده به اینها برخورد که جوانی بنام علی آمده سراغ دو تا پیرمرد می‌گوید من از شما بهترم رفتند نزد پیغمبر حضرت فرمود (أجعلتم سقايه الحاج و اماله مسجد الحرام كمن آمن بالله) یعنی شما کلید داری کعبه و آبرسانی را کنار ایمان می‌گذارید مقام ایمان از همه چیز... این جرقه بود تبدیل به یک جریان شد یعنی هیچ مسئله‌ای را کنار ایمان نگذارید دو تا خواستگار می‌آید برای دختری یکی خانه و ماشین و تلفن دارد اما نماز نمی‌خواند گاهی هم می‌خواند نسبت به دین‌اش شل است یک کسی خانه و ماشین و تلفن ندارد اما دین او سالم است هیچ چیز را پهلوی دین نگذارید در انتخاب شوهر در انتخاب عروس در انتخاب شغل، یک شغل درآمد دارد اما توی آن دین فروشی است یک شغل درآمد آن کم است اما ایمان شما ثابت است این... ) یا مثلاً می‌گوئیم ابوالفضل آب را آورد تا رفت بخورد یاد تشنگی بچه‌ها افتاد آب را نخورد این یعنی چه؟ یعنی شما هم تا یک امکاناتی داری یاد محرومین بیفت یک خورده از امکانات کم کن حالا نمی‌گوئیم آب را نخور او ابوالفضل بود که آب را نخورد باقی مردم را می‌گوید (الا من اغترف غرفة بيده) حالا یک مشت یا دو مشت خوردید طوری نیست اما به فکر فقرا باشید.

یک سلام به امام حسین (علیه السلام) بکنیم السلام عليك يا ابا عبدالله السلام عليكم و رحمه الله و بركاته. خدایا به امام حسین (علیه السلام) قسم، به برادرهایش و فرزندانش و خواهرش و اصحابش و زوارهای مخلص‌اش قسم، این عراق را از شر آمریکا و از شر هر صاحب شری و از شر اشراری که در خود عراق هستند نجات بده.

خدایا همینطور که طاغوت ایران و عراق را شکستی همه طاغوت‌ها را بشکن.

خدایا ما را هم مثل امام حسین (علیه السلام) یعنی از فکرش از ایمانش از مناجاتش از اخلاص‌اش هر چه که به امام حسین (علیه السلام) دادی... سی تا تیر به او زدند نمازش را خواند نه تنها نماز بلکه با مستحبات خواند

آخر نماز اول وقت و نماز جماعت مستحب است اذان مستحب است نماز را با مستحبات خواند خیلی آدم خیلی خجالت می‌کشد سی تا تیر... نماز امام دو رکعت بود شکسته بود چون دوم آمد دهم شهید شد بخاطر هشت روز نمازش شکسته است نماز شکسته را من شمردم دو تا حمد دارد دو هفت تا چهارده تا دو تا هم قل هو الله دو پنج تا ده تا و چهارده تا بیست و پنج تا دو تا رکوع بیست و شش تا چهار تا سجده سی تا تشهد سی و پنج تا یعنی با سی و پنج چهل تا کلمه سی تا تیر یعنی تقریباً هر یک کلمه یک تیر خیلی مهم است که آدم اینقدر از نماز حمایت کند ما سر یک چیزی نماز را عقب می‌اندازیم نماز را نمی‌خوانیم.

خدایا از ایمانش از عشقش از معرفتش هر کمالی که به محمد و آل محمد دادی پرتوی از آن کمالها را به ما و به نسل ما مرحمت بفرما.

کربلا یک حادثه تاریخی نبود که یک ظالمی به نام بنی امیه و یزید مظلومی را بنام امام حسین شهید کنند و ما هم برای آنها گریه کنیم فقط، دهها و صدها زیبایی در کربلاست که این زیباییها می‌تواند تابلو باشدای کاش این پرچمها و علمهایی که می‌برند توی خیابانها ایام سوگواریای کاش بجای پر طاووس و پر مرغابی و آهن به جای این جمادات و حیواناتی که بی خاصیت است لأقل کلمات امام حسین را می‌نوشتند که به دنیا بگویند آقا علت اینکه ما عزاداری می‌کنیم این است که امام حسین یک همچین فکر و عملی داشت و همچین حرفی داشت یعنی اگر حرفهای امام حسین حتی اگر روی پایه ستونی هم نوشته بشود ستون را توی خیابان حمل کند توجیه دارد که این چی است تو حمل می‌کنی می‌گوئیم امام حسین ما همچین حرفی زد.

زیبائی‌هایی که در عاشورا بود چند جلسه صحبت کردیم جوانمردی و غیرت گفته شد، اصلاحات گفته شد، جمع آوری اطلاعات، برخورد با مشکلات، سادگی و زهد، صبر، تعبد به احکام، خستگی ناپذیری، قوت قلب، اخلاص، تشکر از نعمت‌ها، جوناپذیری، کربلا نمایشگاه تمام کمالات از طرف اهل بیت، از طرف امام (علیه السلام)

22- توجه به تاریخ، این یک ارزش است امام سجاد (علیه السلام) می‌فرماید توی راه که می‌رفتیم کربلا (خرجنا مع الحسین) با حسین از مکه خواستیم بیایم کربلا (فما نزل منزلاً) هر منزلی که پیاده می‌شدیم برای استراحت (و لا ارتحل منه) و هر منزلی که می‌خواستند از منطقه‌ای کوچ کنند چه آنوقتی که می‌نشستند و چه آنوقتی که می‌رفتند (ألا ذکر یحیی بن زکریا و قتله) در هر نشست و حرکتی یاد حضرت زکریا می‌افتاد چون مردم سر حضرت یحیی را بریدند بخاطر اینکه زن فاحشه‌ای علاقمند شده بود این کشته بشود مثلاً می‌گفت بعضی از مردم به قدری نا اهل هستند که برای رضای یک زن فاحشه سر پیغمبر را می‌برند آنوقت اینرا هی می‌گفت اینکه امام حسین در هر نشست و برخاستی می‌گفت می‌خواهد بگوید توجه به تاریخ یعنی ای کسانی که

با من هستید ممکن است برای رضای یزید بن معاویه سر من را هم ببرند عبرت بگیرید یعنی تاریخ تکرار می شود.

اینکه آدم توجه به تاریخ داشته باشد خیلی خوب است یک جوان امروز می گوید آخر این چه بساطی است نه ازدواجی، نه مسکنی، نه شغلی، این کلاسهایی که توی دانشگاه می گذارند اگر از من بپرسند بهترین درس برای دانشجوی برای دبیرستانی برای طلبه چیه می گویم بهترین درس این است که این مشکلاتی را که فرمانده و مربی داشته است و مرجع تقلید مشکلاتش را گاهی برای باقی ها بگوید شنیدن مشکلات قصه را حل می کند خیلی مهم است.

یکی از مراجع از من پرسید که من می خواهم برای طلبه هایم موعظه کنم چه موعظه کنم؟ گفتم موعظه نمی خواهد در طلبگی بدبختی هم کشیده ای؟ گفت بله، گفتم خاطرات بدبختی ات را بگو می گویند اِه پس آقامان هم یک همچین مشکلاتی را داشته است دیگر برایش آرام می شود آرام می شود قرآن به پیغمبر (صلی الله علیه و آله) می گوید «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُوا الْعِزْمِ مِنَ الرُّسُلِ» (الأحقاف/35) صبر کن، مشکل است؟ تمام انبیای قبل از تو هم حوصله کردند طوری نیست. (مکه یکی گفت و ه گفتم چیه؟ گفت گم شده ام؟ گفتم خوشا به حالت، گفت چرا؟ گفتم تو تنهایی گم شده ای ما با کاروان همه با هم گم شده ایم اصلاً خندید راحت شد. می آید پیش من می گوید حاج آقا قرائتی یک جوانی دارم لیسانس است فوق لیسانس است می شود برای ایشان شغل اداری... می گویم توی فامیل خودمان جمعیتی داریم که هم لیسانس هستند و هم فوق دیپلم هستند یکی شان را نتوانسته ام استخدام کنم قانوناً استخدام هم نشدند می گوید بچه های خودت استخدام نشدند؟ می گویم نه والله نه بالله بچه های خودم مدرکشان هم بالاست استخدام نیستند وقتی می فهمد که خودم چند تا بچه دارم هیچکدام استخدام نیستند... من هم بالاخره توی مملکت عنوانی داریم قدیمی ترین معاون وزیر توی جمهوری اسلامی من هستم هیچ معاون وزیری سابقه اش از من بیشتر نیست از اول انقلاب معاون وزیر بوده ام همه بچه هایم هم لیسانس دارند استخدام هم نشده اند این وقتی... می گوید قربانت بروم خدا حافظ شما یعنی وقتی... راحت می شود این اول فکر می کند که بچه های من همه یک جایی دستشان بند است بعد بچه ی خودش روی دستش مانده است بگوئیم آقا من هم این مشکل... می گوید آقا من مشکل دارم می گویم خوشا به حالت می گوید چرا؟ می گویم من چهار تا مشکل دارم تو یک مشکل داری اینکه انسان یاد دیگران بیفتد طوری نیست خدا به پیغمبرش می گوید «قُلْ إِنْ أَدْرِي» الجن/25 به مردم بگو من بلد نیستم تا من طلبه اگر سوالی از من کردند بگویم آقا بلد نیستم چون پیغمبر گفت بلد نیستم من راحت شدم اگر من بگویم بلد نیستم خواهند گفت که آقا شیخ سواد ندارد؟ باسمه تعالی سواد ندارم می خواهی بگویی چه؟ وقتی، توجه به تاریخ... بابا بزرگترها گفتند بلد نیستم انبیای قبل هم صبر کردند به این آقای مرجع تقلید گفتم می شود شما یکی از خاطره های بدبختی ات

را برای من بگویی؟ گفت یکبار می‌خواستم غسل کنم پول نداشتم هر چه اینطرف و آنطرف رفتم پول نداشتم به حمامی بدهم به آن آقای حمامی گفتم می‌شود من ساعت‌ام را پهلوی شما گرو بگذارم من غسل کنم می‌گفت ساعت را پهلوی حمامی گرو گذاشتم رفتم غسل کردم گفتم خوب اینرا به طلبه‌ها بگو که اگر بی پول هستند غصه نخورند. این خیلی شیرین است توجه به تاریخ، مثلاً اینهایی که توی جبهه‌ها بوده‌اند اینهایی که ایتار کرده‌اند اینهایی که... آنوقت قرآن خیلی از این حرفها زده است) می‌گوید «وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ» مریم/16 نگذار تاریخ مریم کهنه بشود «وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ» مریم/41 پیغمبر تاریخ ابراهیم را بگو تا الگوی مردها باشد تاریخ مریم را بگو تا الگوی زنها باشد چه سختی‌هایی کشیدند.

استفاده از تمثیل در سخن امام حسین (ع)

23- استفاده از تمثیل: مثال زدن، آقا مثل غوغا می‌کند یکی از دوستان، بیست و پنج سال است که توی تلویزیون هستم سخنرانی‌های هفده سال را گوش کرده ضرب المثل هایش را در آورده است طنزهایش را در آورده خاطراتش را در آورده هر کدامش یک کتاب شده است آنوقت تمثیل خیلی غوغا می‌کند خود شما اگر بدانید یک ضرب المثل بزنید بسیاری از مشکلات حل می‌شود.

در تدریس ایتاء الحکم بالمثال بهتر می‌فهمند مطلب را، مرحوم مطهری زمان شاه در یکی از استانه‌ها سخنرانی می‌کرد موضوع بحث‌اش این بود که اگر کسی سی سالگی چهل سالگی پنجاه سالگی گناه کرد چرا قرآن می‌گوید «خَالِدِينَ فِيهَا» البقرة/162 تا ابد توی جهنم می‌سوزد، خوب اگر خدا عادل است ما ده سال که گناه کرده‌ایم ده سال بسوزیم چرا ده سال گناه کرده‌ایم می‌فرماید جاودانه... ایشان یک بحث علمی داشت که خلاصه‌اش این بود که جزا اگر قراردادی باشد می‌شود چانه زد مثلاً می‌گویند آقا هر کس از چراغ قرمز رد شد فرض کنید که ده هزار تومان ببایم بگوییم آقا ده هزار تومان چیه و چیه چانه بزنیم ده هزار تومان را پنج هزار تومان کنیم چون قراردادی است چیزهای قراردادی را می‌شود چانه زد و پائین آورد اما چیزهایی که طبیعی است شما دو لیتر هم گریه کنی فایده‌ای ندارد مثلاً شما خمیر شور داده‌ای به نانوا نانوا زده به تنور نان شور به تو می‌دهد حالا دو لیتر گریه کن اگر به اندازه اقیانوسها هم گریه کنی این خمیر شوری که داده‌ای جز نان شور نیست زاویه قائمه است حالا همه اساتید ریاضی بنشینند پای زاویه قائمه گریه کنند زمین حرکت می‌کند حالا گالیله را آوردند گفتند غلط می‌کنی که زمین حرکت می‌کند بگو زمین حرکت نمی‌کند گفت حرکت نمی‌کند ولی تو حرکت خودت را بکن چیزهای طبیعی با التماس و چانه تغییر نمی‌کند خلاصه ایشان بحث کرد که جزا گاهی قراردادی است می‌شود بحث کرد گاهی طبیعی است و قابل چانه زدن نیست دندان شما سفید است حالا مادرت دو لیتر گریه کند که من می‌خواهم دندان بچه‌ام قهوه‌ای باشد فایده‌ای ندارد آب جوش داغ است، بالاخره فرمایشات ایشان که تمام شد من دیدم که بعضی هنوز یک چیزی توی مخ شان هست همه درست

نفهمیدند با اینکه ایشان خیلی زحمت کشید من گفتم حضرت استاد اجازه می‌فرمائید من بیایم بغل شما یک ضربه المثل بزنم؟ مرحوم مطهری فرمود بیا بالا رفتیم بالای آن بلندی رفتم گفتم هر کس حرف استاد را نفهمید الحمدلله رب العالمین هر کس حرف استاد را نفهمید چرا ما چند سال گناه می‌کنیم اما تا ابد می‌سوزیم؟ جواب، شما یک دقیقه با چاقو می‌زنی توی چشمات تا ابد کور هستی گناه شما یک ثانیه کوری دائمی است. تمثیل خیلی خوب است.

عرض کنم به حضور شما که صبح با یک کسی صحبت می‌کردیم که... می‌گفت شما چرا روی خاک سجده می‌کنید، اشکالی دارد شیعه نماز خودش را بخواند سنی هم نماز خودش را بخواند کار به هم نداشته باشند وحدت شیعه و سنی یعنی وحدت در هدف دیگر حالا هر یک لباسی می‌خواهد بپوشد آزادش بگذارید اختیارش با خودش است دیدم این چانه می‌زند گفتم حالا که چانه می‌زنی من یک مثال می‌زنم بین شما اگر مریض شوی یک قرصات را یک دکتر بگویند بخور یک قرصی را دو تا دکتر می‌گویند بخور شما اگر مریض باشی از کدام قرص‌ها می‌خوری؟ با هم بگوئید، می‌گوئیم آن قرصی که دو تا دکتر... ما اگر به خاک سجده کنیم دو تا دکتر می‌گویند نمازت درست است هم دکترهای شیعه هم دکترهای سنی اما اگر روی قالی نماز بخوانیم یک دکتر می‌گوید نماز تو درست است یک دکتر می‌گوید نمازت درست نیست حالا من روی سنگ سجده می‌کنم دلیل خیلی... اصحاب پیغمبر هم همینطور، بنابراین استفاده از مثل خیلی خوب است می‌گویند خدا عادل است می‌گوئیم بله، می‌گویند اگر خدا عادل است این زهر مار چه خاصیتی دارد؟ زهر مار سالی یک نفر را می‌کشد می‌گوئیم زهر مار در جای خودش خوب است قرآن یک آیه دارد می‌گویند خداوند در هستی نمره نوزده و نیم خلق نکرده است «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ» السجده/7 آنچه خدا آفریده نمره‌اش بیست است بنابراین نمی‌توانیم بگوئیم زنها ناقص هستند قرآن می‌گوید زنها هم جزو کل شی هستند مرد هم بیست است بچه هم بیست است همه چیزی نمره‌اش بیست بگویی، بگویند آقا زهر مار چه بیستی‌ای دارد می‌گویم زهر مار در جای خودش نمره‌اش بیست است مثل آب دهان که در دهان نمره‌اش بیست است بعد اگر پرت شد تف می‌شود و بد می‌شود اگر تف بد بود معنایش این نیست که آب دهان هم بد باشد هر چیزی را باید در جای خودش نمره بدهد زهر مار در بدن مار نمره‌اش بیست است بله جا بجای... ابرو روی چشم نمره‌اش بیست است چرا؟ برای اینکه خورشید می‌خواهد بتابد روی چشم این ابرو جلوی فشار نور را می‌گیرد که نور به چشم بعد اگر ابرو بیاید اینجا ممکن است نمره‌اش صفر باشد.

امام حسین در مسیر راه چند تا مثل زد استفاده از تمثیل، اول فرمود (خط الموت علی ولدآدم مخط القلاده علی جید الفتات) مرگ برای بشر مثل گردنبند توی گردن عروس است این خیلی است... گردنبند نه توی سینه هر زنی توی سینه عروس، (مخط القلاده) قلاده یعنی گردنبند (علی جید الفتاه) گردنبند توی سینه‌ی دختر، امام

حسین چه دیدی دارد که مرگ را اینقدر زیبا می‌بیند یا می‌فرماید دنیا چیزی نیست مثال دنیا مثال ظرف آبی است که می‌شورند دمر می‌کنند یک مقدار آب توی کاسه می‌ماند فرمود دنیا پهلوی آخرت مثل یک مقدار آبی است که ته ظرف می‌ماند یا مثلاً می‌فرماید شما من را بکشید اما بدانید که بعد از من شما دیگر روز خوشی نمی‌بینید مگر به مقداری که (یرکب الفرس) یعنی به اندازه سوار شدن به اسب یعنی لحظات کمی را به شما خوش خواهد گذشت بعد جنایتکارانی بر شما... کسانی بر شما حکومت خواهند کرد که دمار از روزگار شما در خواهند آورد مثل می‌زند به سوار شدن اسب مثل می‌زند به آبی که ته ظرف مانده است مثل می‌زند گردن‌بند یک روز فرمود چیزی به قیامت نیست مرگ یک پل است سعی کنید از این پل رد شوید قصه حل است تشبیهات و تمثیلاتی که امام دارد.

شهادت امام حسین (ع) برای هدایت، نه شفاعت

24- شهادت برای هدایت: الان می‌گویند امام حسین شهید شد تا گناهان ما بخشیده بشود خوب این عقیده شبیه عقیده مسیحی‌ها است که می‌گویند عیسی را به دار آویختند که گناه‌های مسیحی‌ها بخشیده شود او فدای ما شد ما همه غرق گناهیم یک حسین داریم شما نماز نمی‌خوانی نخوان روزه هم می‌خوری بخور، فحش هم می‌دهی بده، ربا هم می‌خوری بخور، فقط روز عاشورا بیا عزاداری کن این شهادت برای این است که خداوند همه گناهان ما را ببخشد؟ اینطور نیست شهادت برای هدایت است از کجا می‌گویی؟ در زیارت اربعین امام حسین داریم (وبذل مهجته مهجه) خونش را بخشید برای چی (لیستنقذ عبادک من الضلالة) تا عباد را از گمراهی بیرون بیاورد (والجهالة) مردم را از جهل بیرون بیاورد (والعمی) مردم را از کوری بیرون بیاورد (والشک و الارتیاب) مردم را از شک و ریب بیرون بیاورد (إلی باب الهدی) امام حسین شهید شد تا مردم چشم‌شان باز بشود، رئیس حکومت اسلامی کی باید باشد؟ بیت المال باید دست کی باشد؟ گاهی وقتها انسان یک عملی را انجام می‌دهد که مردم را متوجه کند امام حسین شهید نشد برای فقط ثوابش، شهید بشود برای شفاعتش، البته ثواب دارد شفاعت هم می‌کند همه درست اما هدف امام حسین هدایت بود. پیام کربلا: نترسیدن از دشمن

نترسیدن بدون هیچ امکاناتی، یک چیزی برایتان بگویم ابوالفضل دست راستش جدا شد بعد هم دست چپش، می‌دانید وقتی دو تا دستش افتاد چی گفت؟ الله اکبر، حالا بوش یا آمریکا ایران را تهدید کنند ایرانی‌ها پای روضه ای نشسته‌اند که ابوالفضل فرمود، چی فرمود؟ وقتی دو تا دستش قطع شد، فرمود (یا نفس) ای نفس ابوالفضل (لا تخش من الکفار) از کفار نترس، یعنی آنوقتی که... ما الان تمام امکاناتی که دنیا دارد به لطف خدا داریم تجربه‌ی جنگ را داریم ایمان داریم، جوان داریم، اسلحه داریم، تولید اسلحه داریم، عقل داریم، اتحاد داریم، فرمانده عادل مجتهد داریم، اگر هیچی نداشته باشیم، آب نداشته باشیم مشک هم پاره بشود دو تا دست هم نداشته باشیم تازه ابوالفضل از کربلا پیغام داد گفت آنوقتی هم که دو تا دستت قطع شد یعنی هیچ هیچ هیچ،



هیچ امکانات دفاعی ای نداری باز هم بگو (لا تخش من الکفار) از کفار نترس اصلاً علت اینکه آمریکایی ها و صهیونیست ها بودجه ای گذاشته اند برای یک مشت اساتید دانشگاه که این شیعه چی است؟ چون ما تمام دنیا را آرام کردیم این شیعه توی استخوان است منصور دوانقی می گفت ما همه جا را گرفتیم این امام صادق (علیه السلام) توی گلویمان است نه می آید بیرون نه می شود آنرا قورت داد الان استخوان توی گلوئی جنایتکارها الان لبنان دارد می شود بچه های فلسطین هستند ایران هستند این چیه؟ این روضه مهم است جوانهای... می خواهم بگویم روضه مال قدیمی ها نیست روشنفکرهای ما تحصیلکردگان ما باید ایام عزاداری بنشینند و بگویند عجب! ابوالفضل هیچی نداشت باز هم گفت نترس آنوقت تو همه چیزی داری باز هم می ترسی (یا نفس لا تخش من الکفار) اینها را...

روی علماتها اینها را بنویسند من غصه می خورم هم از مسجدها غصه می خورم هم از هیئت ها، مسجدها می روی کاشی کاری نوشته هیچ جنی نمی تواند یک متر آنرا بخواند روان بنویس آقا خط کوفی است به من چه که خط کوفی است سیخی است میخی است من پول از مردم بگیریم احیاء خط کوفی آنوقت جوانهایمان نفهمند که این چیه؟ اسرار نماز را قشنگ بنویس یک جوان هم که آمد دو دقیقه دیگر که آقا می آید برای نماز این دو دقیقه اسرار نماز را بفهمد اگر بناست پرچمی بلند بشود بگوئیم که چی است رمز اینکه ایران می گوید از آمریکا نمی ترسیم چون ابوالفضل دارد و ابوالفضل هم این پیام را داده است پیام ابوالفضل را دنیا هم بداند دنیا هم در مقابل آمریکا شاخ و شانه می کشد منتهی نمی خواهند که ما بفهمیم عکس آورده اند توی خیابان پنجاه متر خوب این چی توی آن هست هیکل، پیامش چیه؟ نمی دانم چیه، عکس که پیام ندارد تفکر پیام دارد شما یک عمامه بزرگ سر من بگذرا عمامه بزرگ که پیام ندارد بین من چی می گویم عکس ابوالفضل را قاب می کنند چهل متر در هشتاد متر فرض کنید، این یعنی چه؟ ببینید پیام ابوالفضل چیه؟ فرمود هیچی ندارم اما از دشمن نمی ترسم این مکتب است یک بچه دبیرستانی یک دانشجو همه این را یاد بگیرند بیمه می شوند اصلاً اینرا حفظ کنند (یا نفس لا تخش من الکفار) دو تا کلمه حفظ کنیم. (فما الموت الا قنطره) مرگ پل است حفظ کنیم.

خدایا، عجب مکتبی داریم، اینکه می گویند مکتب اسلام غنی است این است حالا این یک جمله است قرآن هر حرفش یک نکته دارد حالا این همه شعرش یک نکته دارد من دارم تفسیر می نویسم گاهی می رسم به اینکه یک واو یک پیام دارد یک الف پیام دارد نون آن یک پیام دیگر دارد همه اش پیام است مثلاً می بینیم که خدا یکجا یکبار قسم خورده است بعضی جاها خدا دو تا قسم خورده است بعضی جاها خدا سه تا قسم خورده است بعضی جاها چهار تا قسم خورده است بعضی جاها پنج تا قسم خورده است بعضی جاها یازده تا قسم خورده است آنوقت هر کدام از اینها یک کد دارد آنوقت آنجایی که یازده تا قسم خورده است گفته «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» الشمس/9 یازده تا قسم می خورد می گوید رستگار کسی است که تزکیه باشد نگو فلانی فلانی



خوشبخت است خانه و ماشین و تلفن دارد متکبر است به کسی سلام نمی‌کند فلاّنی یک کیلو طلا دارد بله ولی دو سال است که با دختر عمه‌اش قهر است دختر بی‌طلایی که با دختر... دختر با دختر پسر با پسر، یعنی صله‌ی رحم برای ما ارزش است نه طلا و گرنه شما سه کیلو طلا داشته باش توی دلت هم کینه باشد «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» این قصه‌ی انسان سازی و خودسازی و تربیت به قدری است که خدا به آن یازده تا قسم خورده است به هر چیزی یا یک دانه قسم خورده است یا دو تا یا سه تا یا چهار تا یا پنج تا تنها سوره‌ای که یازده تا قسم خورده است برای اینست که بگوید اصل تربیت است تعلیم و تزکیه، افرادی هستند که مدرکشان بالاست ولی آدم نیستند تحصیلکرده است مغرور است متکبر است حسود است، اینها حساب دارد.

خدایا تو را به حق محمد و آل محمد روز به روز معرفت ما را عشق ما نسبت به خودت و اولیاءت و راحت بیشتر و ما را عاشق راحت قرار بده.

هر کجا دشمن شاد می‌شود نسبت به ما خدایا ما را دشمن شاد مکن.

هر نقشه‌ای علیه اسلام و مسلمین هر کجای کره زمین کشیده می‌شود نقشه‌اش را نقش بر آب و نقاش نا اهلش را نابود بفرما.

کشور ما امت اسلامی مسلمین لبنان و فلسطین و عراق، مسلمین جهان را در پناه آقا حضرت مهدی (علیه السلام) حفظ بفرما.

پیامهای کربلا را می‌گفتیم و گفتیم که کربلا اینطور نبود که ظالمی مظلومی را بکشد ما هم گریه کنیم زنجیر و سینه بعد هم خلاص یک فرازهایی است که اینها مکتب ما است، ایدئولوژی و جهان بینی ما است، اخیراً توی شهرهای بزرگ نمایشگاه می‌زنند نمایشگاه فرش، نمایشگاه چرم، نمایشگاه کفش، کتاب، صنایع، گل و گیاه، هر کس محصولات خودش را می‌آورد کربلا نمایشگاه چهره‌ها بود اوج بدها یعنی بدترین بدیها و خوب ترین... یعنی قله‌های بلند و دره‌های عمیق

## 1- قیام امام حسین برای اصلاح نظام جامعه

25- اتهام زدایی: مسلمان باید جوری حرکت کند که مورد اتهام و تهمت قرار نگیرد فردا نگویند امام حسین (علیه السلام) خواست برود حکومت را دست بگیرد بلند شد و رفت ولی حکومت دست او نیامد دیگر گریه ندارد مثل فوتبالیستی که می‌خواهد برود گل بزند گل نمی‌زند این دیگر عزاداری نمی‌خواهد رفت نعوذ بالله پُر بدهد، کاندیدا شد رأی نیاورد حالا اگر کاندیدایی رأی نیاورد باید برای او سینه بزنیم؟ مسئله‌ی گل زدن و مسئله‌ی نماینده شدن نیست، امام حسین (علیه السلام) فرمود توجه کنید این سفر سفر استثنایی است (اینی لم

اخراج) بدرستی که من خارج نشدم از وطنم (اشراً) یعنی طغیان، دو بار هم توی قرآن آمده است «سَيَعْلَمُونَ غَدًا مَنْ الْكَذَّابُ الْأَشِيرُ» القمر/26 یعنی من بخاطر طغیان و سرکشی خارج نشدم (ولا بطرا) من برای عیاشی قیام نکردم (ولا مفسدا) من برای فساد نیامده‌ام بیرون (ولا ظالما) من برای ظلم... اینها را امام حسین (علیه السلام) توی راه گفته است بعنوان سخنرانی؟ نه، این می‌خواهد که خط بدهد که قطار روی ریل حرکت کند این ریل است که فردا تاریخ را تحلیل نکنند. حتی علی اصغر را هم که برد می‌دانست که علی اصغر شهید می‌شود، امام می‌دانست که علی اصغر را می‌زنند گفت اگر علی اصغر نباشد می‌گویند بابا دو تا بزرگ با هم دعوا کردند می‌گویند بزرگ هستند علی اصغر چه گناهی کرده بود؟ باید معلوم بشود که اینها حکومت نیست مسئله این است که من باید نشان بدهم که بنی امیه و رژیم یزید و ابوسفیان چی هستند، می‌خواهم نشان بدهم که اینها کی هستند و چی هستند. از 6 ماهه تا 90 ساله فرستاد تا بی رحمی آنان را به دنیا بفهماند.

## 2- قصد قربت کارها را عبادت می‌کند

صله رحم، برویم بابا و ننه را ببینیم برویم فامیل را ببینیم فلانی دلش از ما گرفته برویم این عید با او آشتی کنیم، فلانی نیاز به کمک دارد برویم به او کمک کنیم اگر نیت‌ها خیر باشد هر چرخ لاستیکی که می‌چرخد ارزش دارد. یکوقت آدم می‌آید توی اداره می‌گوید چرا آمده‌ای؟ بابا جوان بودیم دیپلم گرفتیم یک جایی می‌خواستیم استخدام بشویم آمدیم اینجا استخدام شدیم برای خرجی زن و بچه، یکوقت هم می‌گوئیم بابا مملکت امنیت می‌خواهد یا نه؟ بله امنیت می‌خواهد، بنده می‌خواستم عمرم را فدای امنیت جامعه بکنم اگر به قصد امنیت بیائی همان حقوق را می‌گیری اما کفشات را هم که واکس می‌زنی در حال عبادت هستی می‌خوابی، حمام می‌روی، مسواک می‌کنی، یعنی وقتی هدف مقدس شد همه کارها می‌شود مقدس مثل اینکه شما می‌خواهی افطاری بدهی به آدم روزه دار سبزی هم که پاک می‌کنی توی صف نانوائی که می‌ایستی، چون هدف تو افطاری دادن است تمام کارهایت رنگ عبادت پیدا می‌کند ما می‌توانیم سفرهای عیدمان، سفرهای تابستان مان، همه عبادت باشد نیت مقدس داشته باشیم یکوقت شما پول توی صندوق صدقات می‌اندازی می‌گویی برای سلامتی جان آقا امام زمان (علیه السلام) و برای سلامتی همه مسلمانها من هم یکی از آن مسلمانها، اگر برای این شد می‌شود عبادت اگر برای سلامتی خودت شد آنوقت ارزش آن به ارزش اول نمی‌رسد حقیر است شما صورتت را که می‌شوری برای خنکی باشد شخصی است اگر برای وضو باشد هم خنک شده ای و هم

عبادت است هر وقت با وضو باشی با نور هستی چون وضو نور است اصلاً آدمی که با وضو است نور است ضمن اینکه وضو می‌گیری خنک هم می‌شوی شیرجه می‌روی، چرا الکی شیرجه می‌روی؟ قصد غسل جمعه کن، حالا که جمعه هست تو هم شیرجه می‌روی خوب نیت کن صدقه می‌دهی برای عموم باشد.

ما می‌توانیم برای تمام حرکت هایمان، خدا یک آیه دارد خوب است که این آیه را حفظ کنیم قرآن می‌فرماید «وَقَدْ مَوَّا لِنَفْسِكُمْ» البقرة/223 یعنی برای آینده تان یک چیزی ذخیره کنید، چطور حقوق کارمندان را بر می دارند برای بازنشستگی و اخیراً هم برای تأمین اجتماعی، یعنی کار الان برای آینده شما تمام کارهایتان می‌توانید که ذخیره کنید تا برای آینده باشد از کار ساده تو نشسته‌ای یک کسی قلم ندارد بسم الله، از خانه بیرون می‌آیی یک سنگ جلوی راه است ممکن است که این سنگ مزاحم باشد خم شویم و سنگ را کنار بگذاریم، داریم از جایی می‌رویم پیرمرد و پیرزنی هست که مشکل دارند... می‌شود... امام حسین (علیه السلام) فرمود من برای طغیان نمی‌روم البته حکومت هم حق اهل بیت است خود امام حسین (علیه السلام) فرمود حکومت باید دست اهلش باشد اگر حکومت دست امام حسین (علیه السلام) نباشد دست کی باشد ولی فردا ممکن است تحلیل گرها جور دیگری تحلیل کنند.

### 3- حیات و مرگ واقعی در دیدگاه امام حسین

26- معرفی دیدگاه، یا بگوئیم تغییر افکار ما: اگر بگویند زندگی چیست، بگوئیم زندگی خوراک پوشاک و مسکن، زندگی چیست؟ خانه، ماشین، تلفن، زندگی چیست؟ مدرک، حقوق، پُست، می‌گویند نه، (موت فی عز) آدم بمیرد که عزیز باشد (خیر من حیات فی ذل) مرگی که آدم عزیز باشد بهتر است از حیاتی که آدم ذلیل باشد. بیخود نیست که پسر امام حسن مجتبی (علیه السلام) فرمود مرگ از غسل شیرین تر است یعنی چه؟ می‌خواهد بگوید ما زنده باشیم رئیس حکومت مان یزید باشد بمیریم بهتر است.

مردم فکرشان این است که... خوشبخت کیست؟ می‌گوئیم فلانی آدم عزیزی است، چه خانه‌ای داری! بابا خانه‌اش سوپر دولوکس است اما به همه بانکها وام بدهکار است، لباسهایش شیک است روزی ده بار مردم می‌آیند در خانه‌اش و به او فحش می‌دهند، خیلی از ماشین‌ها و خانه‌ها لوکس است مدرکها بالاست، بله مدرک بالا است ولی توی امتحانات تقلب کرد، پولدار شد اما کلاهبردای کرد بنابراین آدم روی گونی بنشیند که حلال

باشد بهتر از این است که روی قالی بنشیند که حرام باشد.

(اگر عروس‌ها این را بلد باشند آمار طلاق کم می‌شود، آمار طلاق بالا رفته است چون عروس یا داماد قانع نیستند داماد قانع نیست به جهازیه که بابات اینرا به تو داد حالا بعضی دامادها که اصلش بی شعور هستند یک داماد بی شعور برایتان بگویم! خیلی بی شعور است، واقعاً خیلی بی شعور است، کمیتۀ امداد به بعضی‌ها جهازیه می‌دهد اشکالی ندارد مال کمیتۀ امداد ما امام خمینی است و بچه‌ها هم بچه‌های امام خمینی هستند داماد آمد نگاه به جهازیه عروس کرد و گفت اِه جهازیه کمیتۀ امدادی است؟ عروس زد به گریه، خوب این چه نیشی است که تو می‌زنی؟ این ساعت را هم که خالات برای تو آورده آن هم دختر عمه‌ات آورده، خودت چیزی نداشتی ها! فامیل‌ها برایت جمع کردند، چقدر داماد باید نفهم باشد که روز اول زندگی خلق عروس را تنگ می‌کند از طرفی عروس‌ها هم... بابا حالا ساعت اول ماشین لباسشویی نداشته باشید چی می‌شود؟ حالا فعلاً تخت خواب نداشته باشید، ما سراغ داریم عروسی که کمد خریده است داماد در خانه‌اش تنگ است کمد داخل نمی‌رود رفته‌اند در خانۀ همسایه را زده‌اند با طناب کمد را کشیده‌اند توی خانۀ همسایه از پشت بام خانه همسایه کمد را برده‌اند توی اتاق تنگ بابا... چرا اینقدر بدبخت... همه را به فلاکت می‌اندازد یعنی بخاطر یک خمره سر یک گاو را می‌برند بخاطر یک چارقد قادسیه را آتش می‌زنند آمار طلاق بالا می‌رود دست خودمان است روی میخ نشسته‌ایم می‌گوئیم آخ خوب بلند شو آنطرف بنشین یکسری بدبختی‌ها بخاطر این است که من قانع نیستم اگر مرد آدم باشد نیش نزد زن قانع باشد ما همدیگر را می‌خواهیم که با هم زندگی کنیم حالا فرش زیر پایمان موکت بود موکت، قالی بود قالی، دست باف بود دست باف، هر چه خدا رساند ما انسان هستیم قالی پشم است انسان نباید برای پشم دعوا کند ما آدمهایی داریم که انسانیت شان فدای پشم می‌شود خانه آجر است تو آدم هستی ما بسیار داریم آدمهایی که زندگی شان را بخاطر آجرها تلخ می‌کنند فکرها خلاف است همه هم تحصیلکرده هستند ماشاءالله هر چه دلت بخواهد لیسانس و دیپلم اما آنکه نیست قناعت است.

تغییر افکار، به امید روزی که علامات‌های ما اینها روی آن نوشته باشد مرگ با عزت بهتر است از حیات با ذلت، پهلوانهایی که پرچم دست می‌گیرند اینرا بنویسند مردم می‌دانید چرا برای امام حسین (علیه السلام) گریه می‌کنید؟ امام حسین (علیه السلام) فکر ما را عوض کرد فکر ما این بود دلار و ماشین شخصی امام حسین (علیه

السلام) آمد فکر ما را عوض کرد و فرمود که عزت در چیست ذلت در چیست.

#### 4- افشای جنایات بنی امیه در سخنان امام حسین

27- افشاگری: البته هم بجا داریم هم نابجا، نابجا یعنی من گناهی از شما دارم آبروی شما را می‌ریزیم این غیبت و گناه است حرام است ممکن است شما هر کدام عیبی داشته باشید من عیب‌ها دارم حالا باید همدیگر را لو بدهیم؟ حرام است سخن چینی حرام است حالا من پشت سر شما یک فحشی بدهم شما باید بروی به او بگوئی؟ افشاگری، آبروی مومن را نباید کسی بریزد غیبت حرام است حتی قرآن می‌فرماید که مثل خوردن گوشت برادر مرده است چون گوشت زنده را بکنی جای آن پر می‌شود اما گوشت مرده دیگر جای آن پر نمی‌شود غیبت آبروی طرف را می‌ریزی آبروی طرف دیگر جایش پر نمی‌شود ما یک حدیث داریم که اگر کسی غیبت کند همه عبادت‌هایش هوا می‌رود، یک نفر پرسید آقا ما این همه عبادت کرده‌ایم بخاطر یک دقیقه غیبت برود روی هوا؟ گفتیم بله، بخاطر اینکه آن آقایی که آبرویش را ریختی سالها جان کنده تا آبرو درست کرده بود تو با یک کلمه آبروی چندین ساله او را هوا کردی همینطور که با یک کلمه آبروی چندین ساله او را هوا کردی خدا با همین کلمه عبادت چندین ساله تو را هوا می‌کند این عدالت است (از همه گذشته گناه کیلویی نیست گاهی شما یک سوزن به یک گوشهٔ توپ می‌زنی کل بازی فوتبال لغو است حالا بخاطر یک سوزن؟ بله بخاطر یک سوزن، اینجا که کیلویی نیست بگوئیم آقا یازده نفر هستند فوتبال؟ یازده نفر از اینطرف و یازده نفر از آنطرف؟ بیست و دو نفر جوان را علاف کرده‌ای بخاطر یک سوزن؟ آقا این کیلویی نیست که بگوئی بیست و دو تا جوان هستند هر جوانی هم هشتاد کیلو است مثلاً دو تن جوان آنوقت بخاطر یک سوزن یک گرمی... بعضی چیزها کیلویی نیست گرمی هم نیست من یک خال سیاه روی عمامه‌ام باشد پشت تلویزیون نمی‌آیم اصلاً یک پشه دماغ من را بگزد پشت تلویزیون نمی‌آیم آقا درس‌هایی از قرآن بخاطر یک پشه؟ بله بخاطر یک پشه، افشاگری نابجا غیبت است توی جلسات دید و بازدید خوش و بش می‌کنیم سعی کنیم که غیبت نکنیم. خدا رحمت کند حضرت امام را، به رفقاییش می‌گفت به دو شرط می‌آیم تفریح آخر امام هم اهل تفریح بود پنجشنبه‌ها با علما و دانشمندان قم هم سن‌های خودش می‌رفتند باغهای قم صفا می‌کردند می‌گفت به دو شرط 1- نماز اول وقت، چه اشکالی دارد این همه می‌آید و می‌رود این مسجدها الحمدلله از چیزهایی که در جمهوری اسلامی درست شد البته من نقشی نداشتم دست من نیست پای من حساب نشود ولی هفتصد تا

مسجد توی جاده‌ها ساخته شد مال ستاد نماز نیست مال بنده هم نیست خودشان ساختند وزارت راه ساخت وزارت نفت ساخت افراد خیر ساختند وزارت دفاع ساخت شرکتها ساختند مومنین ساختند همه دولت و ملت با هم ساختند ولی الان هفتصد تا مسجد است شما که توی جاده هستی پیاده شو نماز هم بخوان. )

اما افشاگری بجاء، امام حسین (علیه السلام) افشاگری می‌کرد در نامه‌ای به مردم کوفه نوشت‌ای مردم کوفه شما کسانی هستید که پدرم را کشتید شما کسانی هستید که برادرم را کشتید شما کسانی هستید که پسر عمویم مسلم بن عقیل را کشتید در نامه‌ای به معاویه نوشت (أَو لَسْتَ قَاتِلَ حَجْرَبْنِ عَدِي، أَو لَسْتَ قَاتِلَ... قرآن هم یک آیه دارد می‌گوید مجرمین را لو بدهید «وَلْتَسْتَبِينَ سَبِيلُ الْمُجْرِمِينَ» الأنعام/55 یعنی آدمهای مجرم را بگو که آقا این یک همچین دسته گلی را آب داده این همچین دسته گلی را آب داده اگر کسی می‌خواهد پست بگیرد... یقوت کسی می‌خواهد رئیس جمهور شود، وکیل شود، وزیر شود، اگر می‌خواهد مسئولیت به عهده بگیرد و شما می‌دانی که نااهل است آنجا لازم است که افشاگری کنی اما اگر نمی‌خواهد مسئول شود همینطور کسی دارد می‌رود چرا غیبت او را می‌کنی اگر قرائتی دارد می‌رود شما حق نداری غیبت کنی اما اگر بنده می‌خواهم پشت ماشین بنشینم می‌گوئیم آقا بیائید سوار اتوبوس شوید و شما می‌دانی که رانندگی بلد نیستم بگو آقا سوار نشوید (این مست است سوار نشوید این ناشی است سوار نشوید این بلد نیست سوار نشوید این خواب نکرده الان پشت فرمان خوابش می‌گیرد سوار نشوید این تریاک نکشیده الان بنگ است یک جاهایی باید آدم افشاگری کند همینطور که افشاگری گاهی حرام است گاهی هم... یک کسی عمامه سیاه گذاشته است می‌گوید من سید هستم باید گفت آقا این سید نیست عمامه‌اش دروغی است این دروغ می‌گوید سید نیست پزشک نیست می‌گویند آقای دکتر آقا این پزشک نیست الان نسخه‌اش تو را می‌کشد اگر کسی ادعایی بکند که اهلش نباشد یعنی بگوید من آیت الله هستم آیت الله نیست بگوید من سید هستم سید نباشد بگوید من دکتر هستم دکتر... دانشجویهای عزیز از سال دومی که شما دانشجو هستی به تو می‌گویند مهندس از سال اول می‌گویند نگویند دکتر دیر که نمی‌شود حالا عجله داری؟ درختهایی که زود سبز می‌شود درختهایی که زود گل می‌دهد زود هم سرما می‌خورد حالا چرا... اگر قسمت شما باشد خدا می‌رساند اگر قسمت نباشد... عجله نکن. روزی امام حسین (علیه السلام) جوان بود آمد توی مسجد دید خلیفه دوم منبر رفته است یک خورده نگاه کرد و فرمود (أنزل) یعنی بیا پائین (من منبر أبي) اینجا می‌گفت که تو نشسته‌ای جای پیغمبر است بیا پائین خلیفه دوم هم گفت

راست می‌گویی این منبر منبر پیغمبر است از جاهایی که خلیفه دوم اقرار کرد گفت راست می‌گویی حق با امام حسین (علیه السلام) است شهادت داشت. )

## 5- سفارش به نوشتن و ثبت سخن بزرگان

سفارش به یادداشت و نوشتن این هم خیلی قشنگ است،

28- سفارش به نوشتن: امام حسین (علیه السلام) فرمود (اسمعوا و اکتبوا) گوش بدهید و بنویسید (ارجعوا) برگردید به شهرهایتان حرفهای من را به دیگران... این نوشتن خیلی مهم است (ما اگر خاطراتی که می‌خندیم را بنویسیم هر کسی یک کتاب طنز دارد اگر خاطراتی که تعجب کرده‌ایم را بنویسیم آخر عمرمان می‌شود یک کتاب شگفت انگیز، هر یک از شما می‌توانید چند تا کتاب بنویسید، هر کسی یک خاطره‌ای دارد بنویسد، طنزها، کجا خنده‌ات گرفته هر جا خنده‌ات گرفته می‌بینی که یک کتاب خنده‌ای کجا دلت سوخته بنویس، چه شعر قشنگی شنیده‌ای، چه حدیث نابی شنیده‌ای، ما همینطور... هفتاد سال همینطور می‌نشینیم بعد هم می‌گوئیم الله الصمد یعنی چه؟ می‌گوئیم نمی‌دانیم یعنی چه، می‌گوئیم آمین یعنی چه؟ می‌گویند نمی‌دانم، دلمان خوش است دیپلم هستیم یا لیسانس هستیم. )

بعد هم یادداشتها را در اختیار بگذاریم، وزارت علوم یک قانونی دارد و من آنرا قبول ندارم و آن قانون این است که اگر کسی تحقیقی کرد و رساله‌ای برای لیسانس و فوق لیسانس و دکترا نوشت فقط یک نسخه دست خود نویسنده است این دانشجویی که تحقیق کرده یک نسخه هم باید توی بایگانی وزارت دانشگاه باشد ما که نفهمیدیم، از یکی از دانشگاههای مهم تهران... بله، گفتیم آقا رساله‌هایی که دانشجویها داده‌اند می‌شود به ما بدهید یک دفتری به ما دادند دیدیم بالای هزار تا رساله است بعضی چیزهای مثل نفت است مثل انرژی اتمی است آنها را ما که عقل مان نمی‌رسد اما بعضی چیزها بود که به درد من هم می‌خورد مثلاً چرا طلاق زیاد می‌شود، موانع ازدواج چیه، یک تحقیقاتی روی این زمینه کرده‌اند من چهل پنجاه مسائل اجتماعی بود که اینها به درد من هم می‌خورد گفتیم اینها را به ما بدهید گفتند آقا ما مجاز نیستیم، گفتیم چرا؟ گفت قانون است که تحقیقات دانشجو را به کسی دیگر ندهید گفتیم خوب این با گنج چه فرقی می‌کند تاجر پولش را... یعنی احتکار پول یا احتکار گندم یا احتکار علم خوب این هم احتکار علم است گفتند می‌ترسیم کسی دیگر تقلب

کند گفتیم الان دنیای کامپیوتر هست هر کسی رساله‌ای نوشته می‌تواند برود ببیند که این رساله جای دیگری هست یا نه، یعنی راه... یک چیزی عرضه کنیم هم چیزی زیاد کنیم هم چیزی یاد بدهیم.

29- اعتراف گرفتن: امام حسین (علیه السلام) نه بار فرمود (انشدکم بالله) یعنی شما را به خدا، مادرم زهرا (علیها السلام) نیست، شما را به خدا پدرم علی بن ابی طالب (علیه السلام) نیست، نه بار در سخنرانی در روز عاشورا فرمود شما را به خدا اعتراف گرفت فردا نگوئید غافل بودیم خام بودیم خواب بودیم، اتمام حججت کرد.

30- انجام وظیفه (قتلناام ظفرنا) اینرا امام حسین (علیه السلام) فرمود که کشته بشویم یا پیروز بشویم ما باید وظیفه مان را انجام بدهیم آقا باران نمی‌آید حضرت آیت الله شما امام جمعه هستی عالم بزرگوار هستی بلند شو نماز باران بخوان، بین آقا اگر ما نماز باران بخوانیم باران نیاید آبرومان می‌رود این حرفها چیه؟ مثل اینکه به فوتبالیست‌ها بگویی برو گل بزن بگویند نه من نمی‌آیم می‌ترسم برویم اتریش گل نزنیم برو بازی کن گل زدی یا نزدی، فوتبالیست باید برود بازی‌اش را بکند زد زد خورد خورد، ما وقتی باران نمی‌آید باید نماز باران بخوانیم تازه اگر نیامد یکبار دیگر می‌خوانیم دو بار می‌خوانیم ما وظیفه مان این است که وقتی باران نمی‌آید نماز باران بخوانیم استسقاء کنیم خدا کار خودش را می‌کند.

6- انجام وظیفه مهم است، نه شکست یا پیروزی

امام حسین (علیه السلام) فرمود وظیفه ما این است که در مقابل مثل یزید قیام کنیم (قتلنا) کشته شدیم الحمدلله رب العالمین (ظفرنا) پیروز شدیم... یعنی نگو آقا ما برویم آنجا چقدر به ما می‌دهند؟ چی گیر ما می‌آید؟ آقا برویم روضه، برنج است یا عدسی؟ اه، برویم درس بخوانیم، مدرکش چیه؟ بابا درس درس است ولو مدرک ندهند به ایشان سلام کن سلام علیکم ببخشید ایشان کی بود؟ هر کس می‌خواهد باشد این یک انسان بود من هم یک انسان هستم دو تا گردو که نیستیم، دو تا گردو از بغل هم رد می‌شود، ما دو تا آدم هستیم خوب سلام کن حتماً باید یک کسی باشد آن هم کسی که شما او را بشناسید، سلام ما حتماً باید کسی باشد که سلام کنیم ولذا اگر جوانی بگوید سلام علیکم رفیقش می‌گوید ببخشید کی بود مثل اینکه مثلاً فقط به آشنا سلام کرد... توی پارک هم می‌رویم تفریح است نمازمان را هم می‌خوانیم من نباید بخاطر اینکه یک عده فامیل نشسته‌اند



خدا را فراموش کنم.

امام حسین (علیه السلام) روز عاشورا توی بحبویه جنگ نماز خواند. توی روستاها جمع شوید شما که توی شهر وضع تان خوب است و حالا رفته‌اید توی روستا دور هم جمع شوید کمبود روستا را که یا جاده است یا درمانگاه است یا مدرسه است هر چه ندارد... چهار نفر که توی ایام عید می‌روند توی روستا خوب است که دور هم جمع شوند و بگویند که مشکل این روستا چیه، چند تا دانشجو دارد دانشجوها چند تا مشکل دارند چند تا طلبه دارد آیا طلبه هایش مشکل دارند چند تا مریض دارد، برکت داشته باشیم، چقدر می‌توانیم از این دید و بازدیدها و صلۀ رحم‌ها خیر تولید کنیم (من خوشم آمد از یک حرکتی که اخیراً انجام داده‌اند خیلی خوشم آمد دو سه تا پولدار پول روی هم گذاشتند گفتند روستا به روستا کسانی که بالای شصت سال دارند و هنوز زیارت امام رضا (علیه السلام) نرفته‌اند اینها را ببریم کسی که شصت سال دارد و مشهد نرفته است این پیدا است که زندگی‌اش مشکل دارد اینها را ببریم همینطور روستا روستا اینها را می‌برند مشهد این چقدر کار قشنگی است، آقا توی این روستا چند نفر بالا شصت سال مشهد نرفته‌اند چهل و پنج نفر هستند خیلی خوب یاالله یک اتوبوس بگیریم بشکرانه اینکه سال هشتاد و چهار خدا انشاءالله سال را مبارک کند تمام این روستایی‌ها کسانی که بالای شصت سال دارند و نتوانسته‌اند پابوس امام رضا (علیه السلام) بروند ما اینها را یک زیارت... از این کارها می‌شود کرد حالا من نمی‌خواهم اسمش را ببرم شاید راضی نباشد یکی از مراجع تقلید که الان هم هست خیلی مقلد دارد... طلبه‌ای بود پای درس، یک تاجر تبریزی دید عجب طلبۀ تیز هوشی است گفت بیا، تو زندگی‌ات چیه؟ گفت من زندگی‌ام معمولی است، گفت من خرج تو را می‌دهم برو درس بخوان تو دیگر نه منبر برو و نه فکر کتاب هیچی، تو مخات می‌کشد که مرجع تقلید بشوی خرجی ایشان را داد و ایشان مرجع شد گاهی یک دانشجو اگر خرجی‌اش را بدهی بوعلی سینا می‌شود بعد نشسته تخمه می‌شکند مدل ماشین‌اش را عوض می‌کند هی ور می‌رود با زندگی‌اش و هیچ برای قیامت ذخیره نمی‌کند. )

1- رضایت امام حسین (علیه السلام) از خدا

31- راضی بودن از خداوند این خیلی مهم است ما اگر چیزی خوب باشد راضی هستیم اگر چیزی برخلاف میل مان باشد دعوا می‌کنیم‌ای خدا این چه بساطی است، چرا، چرا شروع می‌کنیم به خدا اعتراض کردن و حال آنکه ما یک گوشۀ چیزی را می‌بینیم و خداوند در جمع یک چیزی را می‌بیند خدا حکیم است ما مثل بچه‌ای

می‌مانیم که وقتی مادرش لباسش را می‌کند یک جیغ می‌زند می‌برد حمام یک جیغ دیگر می‌زند کف صابون می‌رود توی چشمش یک جیغ دیگر می‌زند و اگر آنوقت با بچه‌ی کوچولو مصاحبه کنند که آقا ببخشید تو از مادرت راضی هستی می‌گوید نه ماما بد است بد است بد است یعنی همان زیر دوش اگر مصاحبه کنی می‌گوید بد است و حال آنکه ماما خوب است متهی اگر بخواهی تمیز بشوی باید با این فشارها و لیف‌ها و کیسه‌ها و صابونها آب داغها باید از لابلای اینها عبور کنی تا تمیز بشوی ما اگر خواستیم این درخت سبز بشود باید عرق کشاورز در بیاید خواستیم این جماد خاک سبز بشود باید با بیل توی سر خاک بزنیم باید خاک را زیر و رو کنیم شخم بزنیم اگر خواستیم این گندم آرد بشود باید این گندم را زیر سنگ آسیاب له کنیم آرد خواستیم خمیر بشود باید زیر دست خمیرگیر مشت و مالش بدهیم خمیر خواستیم نان بشود باید بزنیم توی کله‌اش پیش نانوائی باید کمرش را بزنیم به تنور باید پوست صورتش را با آتش تنور بسوزانیم بعد باید زیر دندانها له‌اش کنیم می‌گوید چه گناهی کردم که اینقدر من را اذیت می‌کنید چرا بیل زدید توی کمرم، چرا دانه گندم را له کردی، چرا من را خیس کردی، چرا مشت و مال دادی، چرا کمرم را زدی به تنور، چرا زیر دندان له‌ام کردی، آنوقت ما شعر می‌خوانیم از جمادی مردم و نامی شدم تو قبلاً جماد بودی خاک بودی مواد غذایی خاک اگر خواسته باشد که گندم بشود باید بلا سر آن بیاید گندم خواسته باشد سلول بدن انسان باشد باید این راه را طی کند یعنی رشد بدون سختی نمی‌شود و ارزش هم این است و گرنه آدم از مادرش بوعلی سینا متولد بشود هنر نیست هنر اینست که ایشان با زحمت درسی را بخواند یک بشکهای که از بالا سُر می‌خورد و پائین می‌آید کف نمی‌زنند بشکه سرازیری است که تند می‌رود اما اگر کسی روی برف سُر خورد کسی از بلندی خودش را پرت کرد اینرا می‌گویند عجب شیرین کاری‌ای عجب دلی عجب... یعنی وقتی مردم کف می‌زنند که با زحمت و تمرین به کاری برسی و گرنه کسی روی پشت بام دارد نگاه می‌کند کسی دیگر او را هُل داد کسی برای آدم هُل افتاده که کف نمی‌زند ارزش ما با این است که با زحمت، با تحصیل، با تجربه، خودمان را به جایی برسانیم (رضی الله رضانا) هر چه خدا راضی است ما هم به همان راضی هستیم به به شعار امام حسین این بود (رضی الله رضانا) رضای خدا رضای ما است هر چه او بخواهد ما قبول داریم (صبراً علی قضائک) ما هر چه را که تو مقدر کرده‌ای روی همان قضاوت تو صبر می‌کنیم به زینب کبری (علیها السلام) فرمود (ارضی) راضی باش (بقضاء الله) هر چه خداوند مقدر کرده راضی باش چونکه آنکه مهم است اینست که بدانیم خدا حکیم است شما که حکیم هستی البته شما و من که حکیم نیستیم اما به همان یک مقدار عقلی که داریم به همان مقدار

عقلی که داریم زیر دیگ آتش روشن می‌کنیم آن مسی که روی آتش است اگر شعور داشته باشد جیغ می‌زند ما باید بگوئیم آهای مس! تو باید داغ بشوی تا آب جوش بیاید آب باید جوش بیاید تا غذا پخته بشود این راضی بودن از خدا. راضی هم نباشیم خدا چیزی را جابجا نمی‌کند یعنی حالا بگو من راضی نیستم خوب همین است که هست.

## 2- عدم رضایت و قناعت، عامل بروز مشکلات

اگر همین مسئله رضا توی عروس و دامادها پیدا بشود آمار طلاق کم می‌شود آقا ما راضی هستیم پول داری تالار بگیر پول نداری عقد خصوصی تالار نمی‌خواهد پول داری پیراهن عروس بخر نداری ما به زندگی ساده راضی هستیم یک پیراهن ساده از یکی از بستگان دو ساعت قرض می‌کنیم و می‌پوشیم تمام شد و رفت داماد هم بگوید به پدر عروس که اگر داشتی جهیزیه تهیه کن نداشتی هیچ غصه نخور من دختر شما را بخاطر کمد و طلا نمی‌خواهم دختر شما کمالاتی دارد براساس کمالات ازدواج کرده‌ام نه براساس جهازیه چقدر اگر راضی باشیم زندگی‌ها شیرین می‌شود بعد هم راضی شدن آسانتر است چون شما به چی می‌خواهی... به هر چی هم زندگی... بعد می‌بینی کسی دیگر زندگی‌اش از شما بهتر است شما هم راضی نیستی آدمهایی که سوار پیکان شدند توی خیابان راه می‌روند تا یک پژو می‌بینند سوت می‌کشند پژویی یک بنز می‌بیند سوت می‌کشد بابا این سوتها بیخ ندارد یعنی اگر کره زمین را به شما بدهند شما می‌گویید نمی‌شود که کره ماه را هم بگیریم؟ انسان راضی باشد بگو خوب هنوز رشد نکرده‌ام کی گفته که شما رشد داشته باشی؟ من اینرا چند بار گفته‌ام ولی پای تلویزیون هر لحظه که همه مردم ایران نیستند یک چیزی را خواسته باشیم همه مردم ایران بدانند دسته کم باید سی چهل بار توی تلویزیون بگوئیم چون امشب یک میلیون هستند هفته‌ای دیگر یک میلیون دیگر دو میلیون دیگر پنج میلیون دیگر من بارها گفته‌ام که خداوند رشد را بر سایه‌ی دانایی‌ها قرار نمی‌دهد در سایه‌ی عمل شما قرار می‌دهد یک کسی ده تومان دارد یک تومان به فقیر کمک می‌کند یک کسی ده میلیون دارد یک میلیون کمک می‌کند ثواب کدامها بیشتر است؟ حدیث می‌گوید هر دو یک جور هستند چون ده تومان یک تومان ده میلیون یک میلیون یعنی هر دو نفر یک دهم مالشان را داده‌اند حالا یک دهم آن... مثل یک دانگ خانه که خانه ی کوچک شش دانگ است خانه‌ی بزرگ هم شش دانگ است خدا نگاه نمی‌کند که کی یک میلیون داد و کی یک تومان می‌گوید یک میلیون چند درصد مالش است؟ می‌گوئیم یک دهم می‌گوید آنکه یک تومان داد چند

درصد مالش است؟ می‌گوئیم آن هم یک دهم پس هر دو از نظر سخاوت یک جور هستند یعنی این زاویه قائمه است این زاویه هم قائمه است فرقی نمی‌کند هر دو قائمه هستند در دعا داریم (یا من سوی التوفیق بین الضعیف و القوی) ای کسی که مساوی قرار دادی توفیق بین ضعیف و قوی را داریم خداوند توفیق بین ضعیف و قوی را مساوی قرار می‌دهد. یک کسی تیزهوش است می‌رود کتابخانه در یک ساعت بیست تا مطلب یاد می‌گیرد یک کسی کند هوش است می‌رود کتابخانه یک مطلب یاد می‌گیرد اما هر دو اجرشان یک جور است چون هر دو دو ساعت تلاش کردند آن کسی که دو ساعت تلاش کرد... مثل حفاری که می‌آید چاه می‌کند این روز مزد پول می‌گیرد حالا چه این چاه به آب بخورد چه به آب نخورد. «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» النجم/39 یعنی سعی خودت را کردی تو که سعی خودت را کردی مزدت را گرفتی چه بشود و چه نشود.

### 3- هشدار به گنهکاران برای حفظ حیات جامعه

32- هشدار: توی جامعه ما باید هشدار باشد چطور تابلوهای توی جاده‌ها می‌گویند آقا خطر، خطر، هشدار بدهیم. امام حسین در مسیر راه فرمود من را می‌کشند اما (سلط الله علیهم من یذلهم) بعد از شهادت من خداوند کسی را بر مردم حاکم خواهد کرد که مردم را ذلیل خواهد کرد یعنی فکر نکنید که اگر بکشید طوری می‌شود کسی که حسین را بکشد خداوند حاکمی را بر اینها مسلط می‌کند که آن حاکم اینها را ذلیل کند (حتی یكون اذل فرق الامم) ذلیل ترین فرقه‌های اسلامی فرقه‌ای می‌شوند که بعد از شهادت امام حسین زندگی کردند. هشدار بدهیم با این رفیق بشوی معتاد می‌شوی، عروس خانم عاشق این پسر شده ای، آقا پسر عاشق این دختر شده ای ذلیل می‌شوی این عروس لقمه حلال نخورده است (درآمد پدرش حرام است پوست و گوشت این عروس از لقمه حرام است نسل تو نسل پاکی نخواهد شد بچه هایت نخواهند بود چون این عروس حرام خوار است باباش شغلش جنایتکار است این داماد شغل باباش ربا است ربا گرفتن گناه زنای با مادر را دارد و شغل رسمی پدر این داماد ربا خواری است مضاربه حلال است که بگوید آقا من ده میلیون می‌دهم اینقدر می‌گیرم کار ندارم می‌خواهی گم کن می‌خواهی... مضاربه می‌گوید نه، ده میلیون به تو می‌دهم با آن کاسبی کن هر چه گیر تو آمد نصف آن مال من که صاحب پول هستم و نصفش هم مال تو که جان کنده ای اما من پول به تو می‌دهم اینقدر می‌گیرم تو هر کاری می‌خواهی با آن بکن این ربا است و ربا گناهش از زنا بدتر است و این آقا زاده استخوانش از ربا تربیت شده است) یک مقدار در ازدواجها باید هشدار بدهیم با آدم تارک الصلوات

ازدواج نکنیم با آدم ربا خوار ازدواج نکنیم با آدمهای بد دهان... می گوید خوشم آمد این خوش قیافه است داماد و عروس که کیلویی نیست یک نسلی را شما می خواهی برای خودت ذخیره کنی مرغ و خروس نیستید که فقط برای شهوت بروید پهلوی هم نسلی می خواهید تربیت کنید برای تربیت نسل باید غیر از شکل مسائل دیگر را هم در نظر بگیریم.

#### 4- دعا و نفرین، هر کدام در جای خود

33- امام حسین در کربلا هم نفرین کرد و هم دعا، ما در قرآن هم نفرین داریم و هم دعا منتهی نفرین هم باید بجا باشد بعضی نفرین ها مستجاب نمی شود بعضی نفرین ها چه خوب است که مستجاب نمی شود یکی از حکمت های خدا این است که نفرین ها را مستجاب نمی کند و گرنه کمتر مادری است که به بچه اش نگوید برو گم شو، انشاء الله بروی زیر ماشین خدا بگوید خوب یا الله مادر گفت برو زیر ماشین شما هم برو زیر ماشین اصلاً کسی دیگر روی زمین نمی ماند. خیلی از... منتهی نفرین به جا کجا نفرین بشود کجا دعا بشود، حالا نفرین ها را من اینجا نوشته ام امام حسین فرمود (اللهم احبس عنهم قطره السماء) خدایا باران رحمت را بر این مردمی که من را کشتند قطع کن، خدایا فلانی را بر اینها مسلط کن، (فامنعمهم برکات الارض) خدایا برکات زمین را از این مردم قطع کن به عمر بن سعد گفت (قطع الله رحمک) خدا نسل تو را قطع کند همینطور که علی اکبر من را کشتی هم نفرین دارد و هم دعا، به کسی گفت: انشاء الله تشنه بمیری همان طور هم شد.

یکی از مسائل احسان به مخالف و دشمن است.

34- احسان حتی به مخالفان و دشمنان: این از زیبایی های کربلا است، ما نباید بگوئیم آقا این... من اینرا دوستش ندارم بابا دوستش نداری یا داری به او کمک کن من از این بدم می آید اگر بدت می آید فعلاً نیاز دارد به او کمک کن ما در احسان... قرآن می فرماید «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» البقرة/83 برای مردم خوب حرف بزن نگفته که با مومنین خوب حرف بزن گفته برای مردم خوب حرف بزن یعنی اگر مسلمان هم نیست خوب حرف بزن یک کسی فحش مادر داد به نوکرش گفت مادر فلان امام باقر (علیه السلام) فرمود چرا فحش مادر به او دادی؟ من فکر می کردم که تو آدم باتقوا و خوبی هستی زبانت هرز است گفت آقا این مادرش مسلمان نیست گفت خیلی خوب مسلمان نباشد اگر کسی مادرش مسلمان نباشد می شود گفت که مادر تو فلان کار بد

را کرده است تو از حالا با من نباش با اینکه بیست سال است که با من هستی از حالا از من جدا شو امام با دوست بیست ساله اش قطع رابطه کرد برای اینکه هرزه گفت با زن کافر به زن کافر هم نباید هرزه گفت ادب با همه هزار نفر با حر وارد کربلا شدند روز دوم هنوز به کربلا نرسیده بودند امام حسین فرمود این لشکر حر خسته است به همه آب بدهید از قبل هم فرمود آب را ذخیره کنید هم به حر آب بدهید هم به هزار نفری که آمده اند من را بکشند به اسب هایشان هم آب بدهید یک زمانی قربانی کرد برای ما گوشت نیاورد ما هم قربانی می کنیم برای او گوشت نمی بریم ای بابا! عروسی دخترش من را دعوت نکرد من هم او را دعوت نمی کنم بابا معامله نکنید (صل من قطعک) وصلت کن با کسی که با تو قطع رابطه کرده است او با تو قطع رابطه کرده است اما تو با او... او خودکارش را به من نداد من هم به او نمی دهم رفتیم حمام صابونش را به من نداد من هم شامپویم را به او نمی دهم ای بابا! بابا او قطع رابطه کرد تو (صل من قطعک) امام سجاد (علیه السلام) می فرماید (من اغتابنی الی حسن الذکر) کسی که پشت سر من غیبت کرده است و پشت سر من حرف زشت زده است به من توفیق بده که من خوبی اش را بگویم او بدی من را گفت من خوبی او را بگویم او سلام نکرد من سلام کنم؟ دیدن من نیامد، تشیع جنازه فامیل ما نیامد، عروسی فامیل ما نیامد هر کاری نکرده است معامله نکنید اگر معامله می کنید با خدا معامله کنید امام حسین از زیبایی هایش این بود که فرمود حر با هزار نفر آمده است که من را بکشد گرچه حر توبه کرد ولی آن هزار نفر توبه نکردند فرمود به خودش و به هزار نفرش و به تمام اسب هایش آب بدهید اصلاً آب را برای اینها ذخیره کرد احسان به مخالف این خیلی زیباست. متأسفانه ما بعضی از خط های سیاسی مان همین که حاکم می شود یک نفر از جناح مخالف را راه نمی دهد.

(مثلاً مدیر کل داری یک سلیقه سیاسی است تمام معاونین و مشاورین حتی تلفن چی و آبدارچی... افطاری که می دهد... یک شب از ما دعوت کردند برای افطاری خوب می دانید که هر روزنامه ای یک خط سیاسی دارد من هم با هیچ روزنامه ای مصاحبه نمی کنم ولی یکی از رئیس همین روزنامه ها دعوت کرد از این جناح های سر جناح های سیاسی بود گفتم کی ها هستند افطاری گفت فلانی و فلانی و فلانی همه اعضای روزنامه گفتم از آن روزنامه مخالف کسی هست گفت اینها خط شان با ما دو تاست گفتم خط سیاسی اش دو تا است مسلمان که هستند روزه گیر هم که هستند دیگر شما می خواهی یک آب جوش بدهی که افطار کنند این خط سیاسی توی هسته خرما که نیست خوب بیاید آب جوش و خرمایش را بخورد بعد هم سیاست اش هم برای خودش به

هر کس می‌خواهد رای بدهد برای هر کس می‌خواهد بنویسد ما وقتی خط سیاسی مان گل می‌کند دیگر افطاری به آن خط مخالف نمی‌دهیم من به یکی از اینها که آخوند هم بود گفتم یک چیزی می‌گویم راستش را بگو ما پشت سر تو نماز می‌خوانیم گفت بله، گفتم اگر بفهمی که فلانی که از نظر سیاسی با تو مخالف است از این حلیم فروشها حلیم می‌گیرد تو را به خدا از او حلیم می‌خوری؟ گفت نه، گفتم این دیگ حلیم چه گناهی کرده است؟! اینها دیگر خط سیاسی نیست اینها فساد است اینها سرطان اخلاقی است بعضی از ماها به اسم روشنفکری به اسم خط سیاسی به اسم موضع گیری و به اسم قاطعیت اینها حرف است اینها سرطان اخلاقی است انسان باید موضع حقاش را تشخیص بدهد روی موضعش هم پافشاری کند با دیگران هم... اینرقمی نباشد که حالا... احسان حتی به مخالف ما، آدم داریم که حتی اگر سرطان بگیرد از آن جناح باشد عیادت او نمی‌روند اما اگر یک سرفه کند از جناح خودش باشد مینی بوس مینی بوس می‌روند عیادتش اینها سرطان اخلاقی است. «وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» الشمس/10 یعنی قایمش کرد، زمان جاهلیت زنش که دختر می‌زائید می‌گفت چه خاکی به سرمان کنیم می‌گفت زیر خاک قایم کنیم یعنی زنده به گور کنیم، افرادی هستند که پولشان را قایم می‌کنند علم‌اش را قایم می‌کند شاعر است شعرش را به یک شاعر دیگر نمی‌دهد دفتر یادداشتش را نمی‌دهد می‌گوید من زحمت کشیده‌ام تو بروی از روی یادداشت‌های من بخوانی؟ خدا هر چه به ما داده در اختیار دیگران هم بگذاریم. «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» الضحی/11 آقا جان اگر خودکار نداری من دو تا خودکار دارم می‌خواهی یکی را بدهم، اسلام با معطل کردن مخالف است هر کس هر چیزی ول معطل کند گناه کرده است حتی زمین حدیث داریم اگر کسی زمین را نکارد کشاورزی نکند زمین را رها کند حتی دیوار کشیده و سنگ چینی کرده اگر تا سه سال نرود سنگ چینی‌اش را بردارد سنگ هایش را بردار برو کشت کن تا سه سال برای شما حريم است نمی‌تواند زمین بیابان را سنگ چین کنی ده سال دیگر بیائی بگویی پدر بزرگ من اینجا را سنگ چینی کرده است خوب بیخود کرده است آب را معطل کنیم حرام است پول را معطل کنیم با آن کار نکنیم کنز است علم را نگوئیم کتمان است پنهان کردن علم کتمان است پنهان کردن پول کنز است پنهان کردن طبیعت احسان به دیگران... (رشق الخیل ترشیا) به اسب هایشان هم آب دهید.

5- لزوم برخورد با سرچشمه فساد

35- اصلاحات را از سرچشمه شروع کنیم: گاهی وقتها ما سرچشمه را ول می‌کنیم می‌آئیم سراغ شاخه داریم

که حاکم مدینه پیشنهاد کرد به امام حسین که با یزید بیعت کن آنوقت این جمله راوی اش امام حسین است فرمود که جدم پیغمبر فرمود حکومت بر خاندان ابوسفیان حرام است آنوقت جمله این است (اذا رایت المعاویه علی منبری) اگر معاویه را دیدید رفته روی منبر من نشسته (فابقروا بطنه) شکمش را پاره کنید نگذارید... چون اگر معاویه روی منبر باشد آنوقت پسرش می آید روی منبر بعد آنوقت ماجرای کربلا پیش می آید از سرچشمه که معاویه است جلوی من را بگیرد حضرت فرمود اهل مدینه به این حدیث عمل نکردند معاویه رفت روی منبر (فلم یفعلوا فابتلاهم الله بیزید) کیفر اینکه با معاویه درگیر نشدند این است که خدا بعد از معاویه بر اینها نازل کرد آنوقت یزید آمد مدینه چه کرد، به لشگرش گفت همه دخترهای مدینه برای شما حلال بالاترین فحشا در مدینه شد لشگر یزید ریختند با دخترهای مدینه با زنهای مدینه... وقتی پیغمبر می فرماید این کار نکنید نکنید آدرس این مقتل خوارزمی ج 1 ص 185 لهوف ص 20.

36- قبول عذر، عذر پذیری، حر وقتی آمد گفت من را ببخش او را بخشید نگفت آقا شما سابقه ات... شما چکار به سابقه اش داری دیگر شتر دیدی ندیدی گاهی وقتها یک جوانی غلطی کرده زندان هم رفته دیگر از زندان... این همان که زندان بود، دختر فلانی را گرفتی همان که داداشش زندان بود؟ ای بابا، حالا یک جوانی رفته زندان این دختر توی خانه باید چوبش را بخورد خواستگار نداشته باشد؟ دختر چه گناهی کرده؟ سراغ دختر نمی رود بخاطر اینکه برادرش یک هفته رفته زندان اینکه... ممکن است انسان خودش هم خلافکار باشد هفته های دیگر جدی توبه کند. فرمود (انت حر کما سمتک امک حر).

6- برخورد با منکر، در حدّ توان و امکان

37- جلوگیری در منکر حتی در یک مورد، جایی سی تا گناه می کنند هم تریاک می کشند هم فحش می دهند هم قمار می کنند اصلاً جلسه جلسه فساد است اگر می توانی کل جلسه را اگر نمی توانی... مثل طناب اگر می توانی کل طناب را پاره کن اگر نمی توانی یک نخ آنرا پاره کن لشگر آمده اند امام حسین را بکشند دیگر بدترین گناه کشتن امام حسین است در عین حال امام حسین به همین لشگر می گوید کاری به زن و بچه من نداشته باشید یعنی با اینکه بزرگترین منکر را انجام می دهید یکی از منکرات کشتن امام حسین است یکی از منکرات این است که به خیمه ها حمله نکنید فرمود تا من زنده هستم به خیمه ها حمله نکنید از این چی می فهمیم از این می فهمیم که اگر ده تا گناه هست و شما جلوی نه تا را نمی توانی بگیري ولی جلوی یکی اش را می توانی بگیري



خوب جلویش را بگیر یعنی اگر کسی هم سیگار می کشد هم فحش می دهد شما بگو آقا نمی شود این سیگار را نکشی، نمی شود فحش ندهی، شما اگر آب داشتی همه بدنت را می شوری اگر آب کم بود دستت را که می توانی بشوری نباید گفت بابا همه بدنم که نجس است بگذار دستانم هم کثیف باشد اگر آدم آب کم دارد یک قسمت بدنش هم را که می تواند بشورد بشورد ما گاهی وقتها می گوئیم بابا کارش از این حرفها گذشته این دیگر ول است این دیگر هرز است آقا جان با اینکه هرز است آقا جان با اینکه هرز است یک کار خوبی را به او القا کن او کاری که راه دستش است شاید آن خوبی باعث شد باقی کارهایش هم خوب بشود خوبی روزنه ایست که برای آدم خوبی می آورد اگر شما در مجلسی هستی یا افرادی را در جایی می بینی که گناهای می کنند گناه در گناه در گناه و شما در مقابل موج گناه قرار گرفتید اگر می توانی یکی از این گناهان را نکنی انجام نده نگو آقا این گناه را نکند چه فایده ای دارد پس باقی گناهانش چی؟ باقی گناهان حسابش فرق می کند نباید بگوئیم چون موج گناه است و من نمی توانم حریف بشوم پس دیگر انجام بدهم حالا که نمی توانم کل شهر را تمیز کنم پس خانه خودم را هم تمیز نکنم اگر نمی توانی همه خیابان را تمیز کنی خیابان پشت خانه ات را تمیز کن یعنی هیچوقت دست از کار نکش امام حسین فرمود اگر چند منکر را دیدی می توانی جلوی یکی از آنها را هم بگیری بگیر خود کشتن من منکر است حمله به خیمه ها منکر است حالا که از این منکر دست بر نمی داری تصمیم گرفته اید من را بکشید خوب بکشید ولی یک منکر دیگر را انجام ندهید.

خدایا تو را به حق محمد و آل محمد ایمان سالم عقل قوی رزق حلال علم مفید عمر با برکت عزت در دنیا و آخرت سعادت عزت و برکت به فرد فرد امت اسلامی مرحمت بفرما.

خدایا رهبر ما امت ما انقلاب ما آبروی ما جوانهای ما نسل ما هر چه که به ما هدیه کرده ای در پناه آقا امام زمان (علیه السلام) حفظ قلب نازنینش را از ما راضی بفرما.

حق گویان و طرفداران حق را در تمام کشورها سربلند کن.

طرفداران باطل را در سراسر دنیا یا بیدار و هشیار توفیق توبه اگر قابل نیستند متلاشی و نابود بفرما.

قلب آقا امام زمان را از ما راضی و آقا امام زمان را از ما راضی و خشنود بفرما.

(والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته)

## موضوع: زیبایی‌های عاشورا

تاریخ پخش: 84/12/04

بسم الله الرحمن الرحيم الهی انطقنی بالهدی و الهمنی التقوی

در محرم و صفر امسال داشتیم می‌گفتیم کربلا و حادثه‌ی کربلا جنگی نبود یک ظالمی و مظلومی بود ما هم برای مظلوم سینه بزنیم و خلاص، خوب یک خورده اینرا بررسی بکنیم ببینیم این کربلا چه پیامی دارد چه مکتبی دارد تا جلسه قبل بیست و هفت نکته گفتیم حالا نکته بیست و هشتم را می‌خواهیم بگوئیم موضوع بحث مان این است که کربلا، نمایشگاه زیبایی‌ها.

### 1- رضایت امام حسین (علیه السلام) از خدا

28- راضی بودن از خداوند این خیلی مهم است ما اگر چیزی خوب باشد راضی هستیم اگر چیزی برخلاف میل مان باشد دعوا می‌کنیم ای خدا این چه بساطی است، چرا، چرا شروع می‌کنیم به خدا اعتراض کردن و حال آنکه ما یک گوشه چیزی را می‌بینیم و خداوند در جمع یک چیزی را می‌بیند خدا حکیم است ما مثل بچه‌ای می‌مانیم که وقتی مادرش لباسش را می‌کند یک جیغ می‌زند می‌برد حمام یک جیغ دیگر می‌زند کف صابون می‌رود توی چشمش یک جیغ دیگر می‌زند و اگر آنوقت با بچه‌ی کوچولو مصاحبه کنند که آقا ببخشید تو از مادرت راضی هستی می‌گوید نه ماما بد است بد است بد است یعنی همان زیر دوش اگر مصاحبه کنی می‌گوید بد است و حال آنکه ماما خوب است خوب است ممتهی اگر بخواهی تمیز بشوی باید با این فشارها و لیف‌ها و کیسه‌ها و صابونها آب داغها باید از لابلای اینها عبور کنی تا تمیز بشوی ما اگر خواستیم این درخت سبز بشود باید عرق کشاورز در بیاید خواستیم این جماد خاک سبز بشود باید با بیل توی سر خاک بزنیم باید

خاک را زیر و رو کنیم شخم بزنیم اگر خواستیم این گندم آرد بشود باید این گندم را زیر سنگ آسیاب له کنیم آرد خواستیم خمیر بشود باید زیر دست خمیرگیر مشت و مالش بدهیم خمیر خواستیم نان بشود باید بزنیم توی کله‌اش پیش نانوايي باید کمرش را بزنیم به تنور باید پوست صورتش را با آتش تنور بسوزانیم بعد باید زیر دندانها له‌اش کنیم می‌گویند چه گناهی کردم که اینقدر من را اذیت می‌کنید چرا بیل زدید توی کمرم، چرا دانه گندم را له کردی، چرا من را خیس کردی، چرا مشت و مال دادی، چرا کمرم را زدی به تنور، چرا زیر دندان له‌ام کردی، آنوقت ما شعر می‌خوانیم از جمادی مردم و نامی شدم تو قبلاً جماد بودی خاک بودی مواد غذایی خاک اگر خواسته باشد که گندم بشود باید بلا سر آن بیاید گندم خواسته باشد سلول بدن انسان باشد باید این راه را طی کند یعنی رشد بدون سختی نمی‌شود و ارزش هم این است وگرنه آدم از مادرش بوعلی سینا متولد بشود هنر نیست هنر اینست که ایشان با زحمت درسی را بخواند یک بشکهای که از بالا سُر می‌خورد و پائین می‌آید کف نمی‌زنند بشکهای سرازیری است که تند می‌رود اما اگر کسی روی برف سُر خورد کسی از از بلندی خودش را پرت کرد اینرا می‌گویند عجب شیرین کاری‌ای عجب دلی عجب... یعنی وقتی مردم کف می‌زنند که با زحمت و تمرین به کاری برسی وگرنه کسی روی پشت بام دارد نگاه می‌کند کسی دیگر او را هُل داد کسی برای آدم هُل افتاده که کف نمی‌زند ارزش ما با این است که با زحمت، با تحصیل، با تجربه، خودمان را به جایی برسانیم (رضی الله رضانا) هر چه خدا راضی است ما هم به همان راضی هستیم به به شعار امام حسین این بود (رضی الله رضانا) رضای خدا رضای ما است هر چه او بخواهد ما قبول داریم (صبراً علی قضائک) ما هر چه را که تو مقدر کرده‌ای روی همان قضاوت تو صبر می‌کنیم به زینب کبری (علیها السلام) فرمود (ارضی) راضی باش (بقضاء الله) هر چه خداوند مقدر کرده راضی باش چونکه آنکه مهم است اینست که بدانیم خدا حکیم است شما که حکیم هستی البته شما و من که حکیم نیستیم اما به همان یک مقدار عقلی که داریم به همان مقدار عقلی که داریم زیر دیگ آتش روشن می‌کنیم آن مسی که روی آتش است اگر شعور داشته باشد جیغ می‌زند ما باید بگوئیم آهای مس! تو باید داغ بشوی تا آب جوش بیاید آب باید جوش بیاید تا غذا پخته بشود این راضی بودن از خدا. راضی هم نباشیم خدا چیزی را جابجا نمی‌کند یعنی حالا بگو من راضی نیستم خوب همین است که هست.

اگر همین مسئله رضا توی عروس و دامادها پیدا بشود آمار طلاق کم می‌شود آقا ما راضی هستیم پول داری تالار بگیر پول نداری عقد خصوصی تالار نمی‌خواهد پول داری پیراهن عروس بخر نداری ما به زندگی ساده راضی هستیم یک پیراهن ساده از یکی از بستگان دو ساعت قرض می‌کنیم و می‌پوشیم تمام شد و رفت داماد هم بگوید به پدر عروس که اگر داشتی جهیزیه تهیه کن نداشتی هیچ غصه نخور من دختر شما را بخاطر کمد و طلا نمی‌خواهم دختر شما کمالاتی دارد براساس کمالات ازدواج کرده‌ام نه براساس جهازیه چقدر اگر راضی باشیم زندگی‌ها شیرین می‌شود بعد هم راضی شدن آسانتر است چون شما به چی می‌خواهی... به هر چی هم زندگی... بعد می‌بینی کسی دیگر زندگی‌اش از شما بهتر است شما هم راضی نیستی آدمهایی که سوار پیکان شدند توی خیابان راه می‌روند تا یک پژو می‌بینند سوت می‌کشند پژویی یک بنز می‌بیند سوت می‌کشد بابا این سوتها بیخ ندارد یعنی اگر کره زمین را به شما بدهند شما می‌گویید نمی‌شود که کره ماه را هم بگیریم؟ انسان راضی باشد بگو خوب هنوز رشد نکرده‌ام کی گفته که شما رشد داشته باشی؟ من اینرا چند بار گفته‌ام ولی پای تلویزیون هر لحظه که همه مردم ایران نیستند یک چیزی را خواسته باشیم همه مردم ایران بدانند دسته کم باید سی چهل بار توی تلویزیون بگوئیم چون امشب یک میلیون هستند هفته‌ای دیگر یک میلیون دیگر دو میلیون دیگر پنج میلیون دیگر من بارها گفته‌ام که خداوند رشد را بر سایه‌ی داشته‌ها قرار نمی‌دهد در سایه‌ی عمل شما قرار می‌دهد یک کسی ده تومان دارد یک تومان به فقیر کمک می‌کند یک کسی ده میلیون دارد یک میلیون کمک می‌کند ثواب کدامها بیشتر است؟ حدیث می‌گوید هر دو یک جور هستند چون ده تومان یک تومان ده میلیون یک میلیون یعنی هر دو نفر یک دهم مالشان را داده‌اند حالا یک دهم آن... مثل یک دانگ خانه که خانه ی کوچک شش دانگ است خانه‌ی بزرگ هم شش دانگ است خدا نگاه نمی‌کند که کی یک میلیون داد و کی یک تومان می‌گوید یک میلیون چند درصد مالش است؟ می‌گوئیم یک دهم می‌گوید آنکه یک تومان داد چند درصد مالش است؟ می‌گوئیم آن هم یک دهم پس هر دو از نظر سخاوت یک جور هستند یعنی این زاویه قائمه است این زاویه هم قائمه است فرقی نمی‌کند هر دو قائمه هستند در دعا داریم (یا من سوی التوفیق بین الضعیف و القوی) ای کسی که مساوی قرار دادی توفیق بین ضعیف و قوی را داریم خداوند توفیق بین ضعیف و قوی را مساوی قرار می‌دهد.

یک کسی تیزهوش است می‌رود کتابخانه در یک ساعت بیست تا مطلب یاد می‌گیرد یک کسی کند هوش است

می‌رود کتابخانه یک مطلب یاد می‌گیرد اما هر دو اجرشان یک جور است چون هر دو دو ساعت تلاش کردند آن کسی که دو ساعت تلاش کرد... مثل حفاری که می‌آید چاه می‌کند این روز مزد پول می‌گیرد حالا چه این چاه به آب بخورد چه به آب نخورد. «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» النجم/39 یعنی سعی خودت را کردی تو که سعی خودت را کردی مزدت را گرفتی چه بشود و چه نشود.

### 3- هشدار به گنهکاران برای حفظ حیات جامعه

29- هشدار: توی جامعه ما باید هشدار باشد چطور تابلوهای توی جاده‌ها می‌گویند آقا خطر، خطر، هشدار بدهیم. امام حسین در مسیر راه فرمود من را می‌کشند اما (سلط الله علیهم من یذلهم) بعد از شهادت من خداوند کسی را بر مردم حاکم خواهد کرد که مردم را ذلیل خواهد کرد یعنی فکر نکنید که اگر بکشید طوری می‌شود کسی که حسین را بکشد خداوند حاکمی را بر اینها مسلط می‌کند که آن حاکم اینها را ذلیل کند (حتی یکن اذل فرق الامم) ذلیل ترین فرقه‌های اسلامی فرقه‌ای می‌شوند که بعد از شهادت امام حسین زندگی کردند. هشدار بدهیم با این رفیق بشوی معتاد می‌شوی، عروس خانم عاشق این پسر شده ای، آقا پسر عاشق این دختر شده‌ای ذلیل می‌شوی این عروس لقمه حلال نخورده است (درآمد پدرش حرام است پوست و گوشت این عروس از لقمه حرام است نسل تو نسل پاکی نخواهد شد بچه هایت نخواهند بود چون این عروس حرام خوار است باباش شغلش جنایتکار است این داماد شغل باباش ربا است ربا گرفتن گناه زنای با مادر را دارد و شغل رسمی پدر این داماد ربا خواری است مضاربه حلال است که بگوید آقا من ده میلیون می‌دهم اینقدر می‌گیرم کار ندارم می‌خواهی گم کن می‌خواهی... مضاربه می‌گوید نه، ده میلیون به تو می‌دهم با آن کاسبی کن هر چه گیر تو آمد نصف آن مال من که صاحب پول هستم و نصفش هم مال تو که جان کنده‌ای اما من پول به تو می‌گیرم اینقدر می‌گیرم تو هر کاری می‌خواهی با آن بکن این ربا است و ربا گنااهش از زنا بدتر است و این آقا زاده استخوانش از ربا تربیت شده است) یک مقدار در ازدواجها باید هشدار بدهیم با آدم تارک الصلوات ازدواج نکنیم با آدم ربا خوار ازدواج نکنیم با آدمهای بد دهان... می‌گوید خوشم آمد این خوش قیافه است داماد و عروس که کیلویی نیست یک نسلی را شما می‌خواهی برای خودت ذخیره کنی مرغ و خروس نیستید که فقط برای شهوت بروید پهلوی هم نسلی می‌خواهید تربیت کنید برای تربیت نسل باید غیر از شکل مسائل دیگر را هم در نظر بگیریم.

#### 4- دعا و نفرین، هر کدام در جای خود

30- امام حسین در کربلا هم نفرین کرد و هم دعا، ما در قرآن هم نفرین داریم و هم دعا منتهی نفرین هم باید بجا باشد بعضی نفرین‌ها مستجاب نمی‌شود بعضی نفرین‌ها چه خوب است که مستجاب نمی‌شود یکی از حکمت‌های خدا این است که نفرین‌ها را مستجاب نمی‌کند و گرنه کمتر مادری است که به بچه‌اش نگوید برو گم شو، انشاءالله بروی زیر ماشین خدا بگوید خوب یاالله مادر گفت برو زیر ماشین شما هم برو زیر ماشین اصلاً کسی دیگر روی زمین نمی‌مادند. خیلی از... منتهی نفرین به جا کجا نفرین بشود کجا دعا بشود، حالا نفرین‌ها را من اینجا نوشته‌ام امام حسین فرمود (اللهم احبس عنهم قطره السماء) خدایا باران رحمت را بر این مردمی که من را کشتند قطع کن، خدایا فلانی را بر اینها مسلط کن، (فامنهم برکات الارض) خدایا برکات زمین را از این مردم قطع کن به عمر بن سعد گفت (قطع الله رحمک) خدا نسل تو را قطع کند همینطور که علی اکبر من را کشتی هم نفرین دارد و هم دعا.

یکی از مسائل احسان به مخالف و دشمن است 30- احسان حتی به مخالفان و دشمنان: این از زیبایی‌های کربلا است، ما نباید بگوئیم آقا این... من اینرا دوستش ندارم بابا دوستش نداری یا داری به او کمک کن من از این بدم می‌آید اگر بدت می‌آید فعلاً نیاز دارد به او کمک کن ما در احسان... قرآن می‌فرماید «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» البقرة/83 برای مردم خوب حرف بزن نگفته که با مومنین خوب حرف بزن گفته برای مردم خوب حرف بزن یعنی اگر مسلمان هم نیست خوب حرف بزن یک کسی فحش مادر داد به نوکرش گفت مادر فلان امام باقر (علیه السلام) فرمود چرا فحش مادر به او دادی؟ من فکر می‌کردم که تو آدم باتقوا و خوبی هستی زبانت هرز است گفت آقا این مادرش مسلمان نیست گفت خیلی خوب مسلمان نباشد اگر کسی مادرش مسلمان نباشد می‌شود گفت که مادر تو فلان کار بد را کرده است تو از حالا با من نباش با اینکه بیست سال است که با من هستی از حالا از من جدا شو امام با دوست بیست ساله‌اش قطع رابطه کرد برای اینکه هرزه گفت با زن کافر به زن کافر هم نباید هرزه گفت ادب با همه هزار نفر با حر وارد کربلا شدند روز دوم هنوز به کربلا نرسیده بودند امام حسین فرمود این لشگر حر خسته است به همه آب بدهید از قبل هم فرمود آب را ذخیره کنید هم به حر آب بدهید هم به هزار نفری که آمده‌اند من را بکشند به اسب هایشان هم آب بدهید یک زمانی قربانی کرد برای ما گوشت نیاورد ما هم قربانی می‌کنیم برای او گوشت نمی‌بریم ای بابا! عروسی دخترش

من را دعوت نکرد من هم او را دعوت نمی‌کنم بابا معامله نکنید (صل من قطعک) وصلت کن با کسی که با تو قطع رابطه کرده است او با تو قطع رابطه کرده است اما تو با او... او خودکارش را به من نداد من هم به او نمی‌دهم رفتیم حمام صابونش را به من نداد من هم شامپویم را به او نمی‌دهم ای بابا! بابا او قطع رابطه کرد تو (صل من قطعک) امام سجاد (علیه السلام) می‌فرماید (من اغتابنی الی حسن الذکر) کسی که پشت سر من غیبت کرده است و پشت سر من حرف زشت زده است به من توفیق بده که من خوبی‌اش را بگویم او بدی من را گفت من خوبی او را بگویم او سلام نکرد من سلام کنم؟ دیدن من نیامد، تشیع جنازه فامیل ما نیامد، عروسی فامیل ما نیامد هر کاری نکرده است معامله نکنید اگر معامله می‌کنید با خدا معامله کنید امام حسین از زیبایی‌هایش این بود که فرمود حر با هزار نفر آمده است که من را بکشد گرچه حر توبه کرد ولی آن هزار نفر توبه نکردند فرمود به خودش و به هزار نفرش و به تمام اسب‌هایش آب بدهید اصلاً آب را برای اینها ذخیره کرد احسان به مخالف این خیلی زیباست. متأسفانه ما بعضی از خط‌های سیاسی مان همین که حاکم می‌شود یک نفر از جناح مخالف را راه نمی‌دهد.

(مثلاً مدیر کل داری یک سلیقه سیاسی است تمام معاونین و مشاورین حتی تلفن چی و آبدارچی... افطاری که می‌دهد... یک شب از ما دعوت کردند برای افطاری خوب می‌دانید که هر روزنامه‌ای یک خط سیاسی دارد من هم با هیچ روزنامه‌ای مصاحبه نمی‌کنم ولی یکی از رئیس‌همین روزنامه‌ها دعوت کرد از این جناح‌های سر جناح‌های سیاسی بود گفتم کی‌ها هستند افطاری گفت فلانی و فلانی و فلانی همه اعضای روزنامه گفتم از آن روزنامه مخالف کسی هست گفت اینها خط‌شان با ما دو تاست گفتم خط سیاسی‌اش دو تا است مسلمان که هستند روزه هم که هستند دیگر شما می‌خواهی یک آب جوش بدهی که افطار کنند این خط سیاسی توی هسته خرما که نیست خوب بیاید آب جوش و خرمایش را بخورد بعد هم سیاست‌اش هم برای خودش به هر کس می‌خواهد رای بدهد برای هر کس می‌خواهد بنویسد ما وقتی خط سیاسی مان گل می‌کند دیگر افطاری به آن خط مخالف نمی‌دهیم من به یکی از اینها که آخوند هم بود گفتم یک چیزی می‌گویم راستش را بگو ما پشت سر تو نماز می‌خوانیم گفت بله، گفتم اگر بفهمی که فلانی که از نظر سیاسی با تو مخالف است از این حلیم فروشها حلیم می‌گیرد تو را به خدا از او حلیم می‌خوری؟ گفت نه، گفتم این دیگ حلیم چه گناهی کرده است؟! اینها دیگر خط سیاسی نیست اینها فساد است اینها سرطان اخلاقی است بعضی از ماها به اسم

روشنفکری به اسم خط سیاسی به اسم موضع گیری و به اسم قاطعیت اینها حرف است اینها سرطان اخلاقی است انسان باید موضع حقاش را تشخیص بدهد روی موضعاش هم پافشاری کند با دیگران هم... اینر قمی نباشد که حالا... احسان حتی به مخالف ما آدم داریم که حتی اگر سرطان بگیرد از آن جناح باشد عیادت او نمی‌روند اما اگر یک سرفه کند از جناح خودش باشد مینی بوس مینی بوس می‌روند عیادتش اینها سرطان اخلاقی است. «وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» الشمس/10 یعنی قایمش کرد، زمان جاهلیت زنش که دختر می‌زائید می‌گفت چه خاکی به سرمان کنیم می‌گفت زیر خاک قایم کنیم یعنی زنده به گور کنیم، افرادی هستند که پولشان را قایم می‌کنند علم‌اش را قایم می‌کند شاعر است شعرش را به یک شاعر دیگر نمی‌دهد دفتر یادداشتش را نمی‌دهد می‌گوید من زحمت کشیده‌ام تو بروی از روی یادداشت‌های من بخوانی؟ خدا هر چه به ما داده در اختیار دیگران هم بگذاریم. «وَأَمَّا يَنْعَمُهُ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» الضحی/11 آقا جان اگر خودکار نداری من دو تا خودکار دارم می‌خواهی یکی را بدهم، اسلام با معطل کردن مخالف است هر کس هر چیزی ول معطل کند گناه کرده است حتی زمین حدیث داریم اگر کسی زمین را نکارد کشاورزی نکند زمین را رها کند حتی دیوار کشیده و سنگ چینی کرده اگر تا سه سال نرود سنگ چینی‌اش را بردارد سنگ هایش را بردار برو کشت کن تا سه سال برای شما حرام است نمی‌تواند زمین بیابان را سنگ چین کنی ده سال دیگر بیائی بگویی پدر بزرگ من اینجا را سنگ چینی کرده است خوب بیخود کرده است آب را معطل کنیم حرام است پول را معطل کنیم با آن کار نکنیم کنز است علم را نگوئیم کتمان است پنهان کردن علم کتمان است پنهان کردن پول کنز است پنهان کردن طبیعت احسان به دیگران... (رشق الخیل ترشیحا) به اسب هایشان هم آب دهید اصلاحات را از سرچشمه شروع کنید.)

## 5- لزوم برخورد با سرچشمه فساد

31- اصلاحات را از سرچشمه شروع کنیم: گاهی وقتها ما سرچشمه را ول می‌کنیم می‌آئیم سراغ شاخه داریم که حاکم مدینه پیشنهاد کرد به امام حسین که با یزید بیعت کن آنوقت این جمله راوی‌اش امام حسین است فرمود که جدم پیغمبر فرمود حکومت بر خاندان ابوسفیان حرام است آنوقت جمله این است (إذا رایت المعاویه علی منبری) اگر معاویه را دیدید رفته روی منبر من نشسته (فابقروا بطنه) شکمش را پاره کنید نگذارید.... چون اگر معاویه روی منبر باشد آنوقت پسرش می‌آید روی منبر بعد آنوقت ماجرای کربلا پیش می‌آید از سرچشمه



که معاویه است جلوی او را بگیرد حضرت فرمود اهل مدینه به این حدیث عمل نکردند معاویه رفت روی منبر (فلم یفعلوا فابتلاهم الله بیزید) کیفر اینکه با معاویه درگیر نشدند این است که خدا بعد از معاویه بر اینها نازل کرد آنوقت یزید آمد مدینه چه کرد، به لشگرش گفت همه دخترهای مدینه برای شما حلال بالاترین فحشا در مدینه شد لشگر یزید ریختند با دخترهای مدینه با زنهای مدینه... وقتی پیغمبر می‌فرماید این کار نکنید نکنید آدرس این مقتل خوارزمی ج 1 ص 185 لهوف ص 20.

32- قبول عذر، عذر پذیری، حر وقتی آمد گفت من را ببخش او را بخشید نگفت آقا شما سابقه ات... شما چکار به سابقه‌اش داری دیگر شتر دیدی ندیدی گاهی وقتها یک جوانی غلطی کرده زندان هم رفته دیگر از زندان... این همان که زندان بود، دختر فلانی را گرفتی همان که داداشش زندان بود؟ ای بابا، حالا یک جوانی رفته زندان این دختر توی خانه باید چوبش را بخورد خواستگار نداشته باشد؟ دختر چه گناهی کرده؟ سراغ دختر نمی‌رود بخاطر اینکه برادرش یک هفته رفته زندان اینکه... ممکن است انسان خودش هم خلافکار باشد هفته‌های دیگر جدی توبه کند. فرمود (انت حر کما سمتک امک حر).

6- برخورد با منکر، در حدّ توان و امکان

33- جلوگیری در منکر حتی در یک مورد، جایی سی تا گناه می‌کنند هم تریاک می‌کشند هم فحش می‌دهند هم قمار می‌کنند اصلاً جلسه جلسه فساد است اگر می‌توانی کل جلسه را اگر نمی‌توانی... مثل طناب اگر می‌توانی کل طناب را پاره کن اگر نمی‌توانی یک نخ آنرا پاره کن لشگر آمده‌اند امام حسین را بکشید دیگر بدترین گناه کشتن امام حسین است در عین حال امام حسین به همین لشگر می‌گوید کاری به زن و بچه من نداشته باشید یعنی با اینکه بزرگترین منکر را انجام می‌دهید یکی از منکرات کشتن امام حسین است یکی از منکرات این است که به خیمه‌ها حمله نکنید فرمود تا من زنده هستم به خیمه‌ها حمله نکنید از این چی می‌فهمیم از این می‌فهمیم که اگر ده تا گناه هست و شما جلوی نه تا را نمی‌توانی بگیرد ولی جلوی یکی‌اش را می‌توانی بگیرد خوب جلوی او را بگیر یعنی اگر کسی هم سیگار می‌کشد هم فحش می‌دهد شما بگو آقا نمی‌شود این سیگار را نکشی، نمی‌شود فحش ندهی، شما اگر آب داشتی همه بدنت را می‌شوری اگر آب کم بود دستت را که می‌توانی بشوری نباید گفت بابا همه بدنم که نجس است بگذار دستانم هم کثیف باشد اگر آدم آب کم دارد یک قسمت بدنش هم را که می‌تواند بشورد بشورد ما گاهی وقتها می‌گوئیم بابا کارش از این حرفها گذشته این

دیگر ول است این دیگر هرز است آقا جان با اینکه هرز است آقا جان با اینکه هرز است یک کار خوبی را به او القا کن او کاری که راه دستش است شاید آن خوبی باعث شد باقی کارهایش هم خوب بشود خوبی برای آدم خوبی می آورد اگر شما در مجلسی هستی یا افرادی را در جایی می بینی که گناهای می کنند گناه در گناه در گناه و شما در مقابل موج گناه قرار گرفتید اگر می توانی یکی از این گناهان را نکنی انجام نده نگو آقا این گناه را نکند چه فایده ای دارد پس باقی گناهانش چی؟ باقی گناهان حسابش فرق می کند نباید بگوئیم چون موج گناه است و من نمی توانم حریف بشوم پس دیگر انجام بدهم حالا که نمی توانم کل شهر را تمیز کنم پس خانه خودم را هم تمیز نکنم اگر نمی توانی همه خیابان را تمیز کنی خیابان پشت خانه ات را تمیز کن یعنی هیچوقت دست از کار نکش امام حسین فرمود اگر چند منکر را دیدی می توانی جلوی یکی از آنها را هم بگیری بگیر خود کشتن من منکر است حمله به خیمه ها منکر است حالا که از این منکر دست بر نمی داری تصمیم گرفته اید من را بکشید خوب بکشید ولی یک منکر دیگر را انجام ندهید.

(والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته)

.....

والحمد لله رب العالمین- محمد مهدی ولی زاده